

دروید پر شور بر پاسداران، سربازان، درجه داران، افسران و همه رزمندگان مسلح، که با دلیری و جانبازی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند!

مردم بالا گرفته، هبستکی انقلابی مردم استحکام پذیرفته، پشتیبانی و حمایت همه جانبه خلق انقلابی ما از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، که در جبهه جنگ از انقلاب و کشور در برابر دشمن متجاوز دفاع میکنند، بنحوی شوراگین بروز کرده است. این پشتیبانی، چشمه جوشان بقیه در صفحه ۲

که دشمن متجاوز از آن بهره‌مند است و نمیتواند از آن بهره‌مند باشد. در این روزها که رژیم جنایتکار یعنی عراق، در اجرای نقشه آمریکا برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، یحسنگ متوسل شده، روحیه رزمنده خلق قهرمان ما تقویت انقلاب یافته، شور و شوق انقلابی

کند، ما در مقابل، از انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی خود، از آزادی خود و از استقلال و تمامیت ارضی کشور خود دفاع میکنیم. و همین دلیل نیروهای مسلح ما، باروحیه عالی، با از خود گذشتگی، با شجاعت و دلوری، با اطمینان به پیروزی نهایی میگردند. این امتیاز بزرگ ما بر دشمن متجاوز است، امتیاز سرفروختن سازی است

انتظاری هم جز این نبود. جنگی که بر ما تحمیل شده است، از جانب عراق، جنگی است تجاویزی، غاصبانه و ظالمانه، و از جانب ما، تدافعی و عادلانه. ما با دشمنی روبرو هستیم که میخواهد انقلاب رها بیخسش ما را در هم شکند و مجدداً بیوغ اسارت امپریالیسم آمریکا را بر ما تحمیل

در تمام جبهه جنگ و در تمام درگیریهایی که از هوا و زمین و دریایین تجاوزگران یعنی عراق و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران رخ داده، پاسداران، سربازان، درجه داران، افسران و همه رزمندگان مسلحی که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند، از خود روحیه انقلابی و دلوری شایسته هر گونه تحسین بروز داده‌اند. و این مایه افتخار و سرافرازی آنها، مایه افتخار و سرافرازی خلق قهرمان ایران، نوید پیروزی بر دشمن متجاوز



دوره نهم، سال دوم، شماره ۲۴۴
پخش ماه ۱۳۵۹، بها ۱۵ ریال

حزب کمونیست عراق:

اکنون هماهنگی کامل میان سیاست امپریالیسم امریکا و رژیم عراق بر ضد ایران پدیدار شده است

توده ایها در سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

درست نخواهد رسید و در تمام ناکامی‌ها بالاخره به نابودی خواهد رسید. تصور این حالت مشکل نیست که اگر یک جنبش انقلابی بر اساس اطلاعات نادرست، دوست و دشمن خود را با هم اشتباه کند و یکی را بجای دیگری بگذارد و با اقدام دشمنی و تشدیدی را از

اطلاعات نادرست و تصورات واهی و بر اساس بلائی است که هرگاه گریزناکیر شود، کار را به گمراهی و دوری از هدف و نتیجتاً به ناکامی میکشاند. و اگر انسان در اسارت ابدی و کور کورانه اطلاعات و تصورات نادرست قرار گیرد، هرگز برآ

است که آمریکا، ژاپن، ایتالیا، بریتانیا، فرانسه و آلمان غربی «راهبای تصمیم عبور و مرور بقیه در صفحه ۲

توطئه جدید امپریالیسم امریکا در خلیج فارس

گرفته است. بگفته امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ما در واقع با آمریکا در جنگیم.

اگر در اینباره کوچکترین شبهه‌ای موجود بود، پیشنهاد کارتر، منبیر هماهنگی اقدامات امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی برای پاسداری از منافع حیاتی غرب در منطقه خلیج فارس، چنین شبهه‌ای را از میان برداشت. بگفته سخنگوی رسمی دولت ژاپن، کارتر پیشنهاد کرده

هنوز چند ساعتی از آغاز جنگ تحمیلی رژیم مزدور یعنی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نگذشته بود، که جیمی کارتر، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، «بیطرفی» آمریکا را در قبال این جنگ اعلام داشت. اعلام «بیطرفی» از جانب دولتی که از نخستین دقیق پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن، حتی لحظه‌ای از درسه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی نوپای ایران باز نایستاد و در راه پیشبرد هدفهای انقلاب شکنانه خود از هیچ‌گونه جنایتی فروگذار نکرده است، حداقل وقیحانه می‌نماید. رویداد طیس و کردهای «سیا» پرورده و «ناقرچام» نیز تنها دو نمونه بارز از مداخلات آشکار آمریکا در امور کشور

زنگار از «خطبر ژینسکی»

مسئولانی که آمریکای جنایتکار را دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میشناسند و بسیج و تجهیز تمام نیروی خلق قهرمان ایران را علیه «شیطان بزرگ»، شرط ضروری برای حفظ و تثبیت و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میدانند، نیز در این لحظات حساسی که جنگ تمام عیار زمینی، هوایی و دریایی بر ما تحمیل شده،

آمریکا، رئیس‌جمهور اعلام داشت که: «دولت بعث عراق در تابعیت کامل از آمریکا عمل میکند». نخست‌وزیر اعلام داشت که: «استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا تجاوزگر از طریق دولت بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران تلاش مذبح‌خانه‌اش را سازمان داده». رئیس مجلس شورای اسلامی، امام جمعه تهران و همه دیگر

به جان من و تو

شب که تاریکی می‌افتد بیگانه به بام من و تو
و خطر می‌برد رشته کلام من و تو
شب که در سنگر خاموشی هنر زمانیم
شب که بیدار بناچار به غمخواری هم
بتو می‌اندیشم و بخود مینگریم
راستی را چه جدائی است میان من و تو
اندر آنجا که خطر هاست به جان من و تو؟!
سیاوش کسرائی
جمعه شب ۴ مهر ماه ۱۳۵۹

تشنج آفرینی بسود ضد انقلاب است

انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، تدریجاً در حال پیاده شدن است. این توطئه، در بخش‌های داخلی و خارجی و در رشته‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک،

تشنج آفرینی یکی از شیوه‌های عمده عمل امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. باید با هوشیاری، خورسروی و ممانت انقلابی و قابلیت اصولی هر گونه تشنجی رایشگیری کرد. توطئه گسترده دشمن اصلی

شورای کارمندان منطقه خطوط لوله - مخابراتی (شرکت ملی نفت ایران) آماده دفاع از مرزهای میهن است

به مین ما شروع کرده است، از کلیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، که شجاعانه پیروزه مزدوران عراقی را بخاک مالیده‌اند، حمایت و پشتیبانی مینمائیم و بدينوسيله مي‌داريم.

شورای کارمندان منطقه خطوط لوله - مخابراتی (شرکت ملی نفت ایران) بنسبیت تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران اعلامیه‌ای انتشار داده است. در این اعلامیه آمده است:

شورای کارمندان منطقه خطوط لوله - مخابراتی (شرکت ملی نفت ایران) بنسبیت تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران اعلامیه‌ای انتشار داده است. در این اعلامیه آمده است:

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابراتی (شرکت ملی نفت ایران) پشتیبانی مجدد خود را از امام خمینی اعلام میدارد

در زمینه مورد بحث نمونه‌های فراوانی در دست داریم، که یکی از مهترین آنها مسئله برخورد باحزب توده ایران در جامعه ماست. پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یعنی بیش از یک ربع قرن، دستگاه عظیم تبلیغات رژیم منفور پهلوئی و سیا، آمریکا و گروههای منحرف چپ‌نما، علیه حزب توده ایران دروغ‌ها گفتند و افتراها زدند و افسانه‌ها بافتند. روزی که انقلاب پیروز شد، با کوهی از اوهمات و اتهامات و خرافه‌های ضدتوده‌ای مواجه بودیم. عمده کنیزی از مردم، با رسوبات تبلیغات ضدتوده‌ای و ضد کمونیستی دوران رژیم دست‌نشانده پهلوئی و در نتیجه تکرار بکر به قرنی افتراهای ضدتوده‌ای، تصور بکلی غلطی درباره حزب توده ایران داشتند. ولی در آزمایشگاه زندگی، برای همه مردم صدیق و شریف کشور و مقامات و مسئولان متعدد و منصف جمهوری اسلامی ایران به تواتر به اثبات رسید و روشن شد که تبلیغات و تصورات سابق درباره حزب توده ایران مبنای عادلانه نداشته است. اکنون که واقیعت حزب توده ایران در بوته آزمایش زندگی بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

زنگار از خط...

بقیه از صفحه ۱
 تأکید و تصریح میکنند که این دست آمریکا است که از آستین رژیم بعثی عراق جزئی از نقشه تیبکارانه آمریکای جهانخواه است که برای براندازی جمهوری اسلامی ایران طرح و بوقع اجرا گذارده شده است.

درد و دشمن انقلاب ایران است. آیا برای این یوزوالبیروهای بیرو خط پرژینسکی، معلوم نیست که ایدئولوژی رژیم بعثی عراق هیچ وجه اشتراکی با مارکسیسم ندارد؟ آیا میدانند که نظام اجتماعی عراق سوسیالیستی نیست؟ آیا متوجه نیستند که اسلحه «روسی» که عراق زمانی در شرایط یکلی دیگری، از اتحاد شوروی خریداری کرده، دلیل بر هم آهنگی سیاسی عراق با شوروی نیست، کما اینکه اسلحه آمریکایی کنونی ارتش ایران، دلیل بر این نمیتواند باشد که جمهوری اسلامی ایران با آمریکا هم آهنگی سیاسی دارد؟

چرا میدانند و خوب میدانند، ولی در عین حال میدانند که برای پیشبرد خط پرژینسکی در ایجاد سوغتن نسبت به اتحاد شوروی و در راه «پایان دادن به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران» که به تضعیف جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد، وسیله دیگری جز این خزعبلات و بیباکیهای نظیر سناریوی تیریز-مکزیکو (که پته آن روی آب افتاد) وجود ندارد.

البته باید متوجه بود و متوجه هستیم که، هستند افرادی که، یا بسبب افتادن در دام تبلیغاتی یوزو - لیبرالهای یرو خط پرژینسکی و یا بدلیل رسوب تأثیرات تبلیغاتی که سالیان دراز در ایران بر ضد اتحاد شوروی، بیوقفه انجام گرفته، گاه و بیگاه، ایجا و آنجا، برخی از دعای ضد شوروی مفرض را بی غرضانه تکرار میکنند.

روی سخن ما در این مقال، با اینان است، نه با بیرون علاج-ناپذیر خط پرژینسکی، که دانسته در راه مقصود «پایان دادن حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران»، که به تضعیف جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد،

در تلاش و تکلیف هستند. روی سخن ما با این بی غرضان است. ما باینان زنگار می دهیم که باید هوشیار بود و در دام خط پرژینسکی نیفتاد. بگذریم از اینکه نظام اجتماعی-اقتصادی در اتحاد شوروی سوسیالیستی است و در این کشور حکومت کارگران و دهقانان برقرار است و این حکومت ذاتا حامی مستضعفان و رژیم های ضد امپریالیستی است. بگذریم از اینکه هر جا جنبش رها نیستی ضد امپریالیستی و خلقی سرگرفته و هر جا کشور مستقلی با سیاست ضد امپریالیستی برقرار شده، مورد پشتیبانی اتحاد شوروی قرار گرفته است، و انقلاب مسا و جمهوری اسلامی ایران استثنا نیست و نمیتواند باشد. لاقبل، برای پرهیز از گمراهی و افتادن در دام «خط پرژینسکی یوزو و لیبرال ایران» باید این سوال ساده را مطرح کرد و به آن پاسخ داد که: آیا اتحاد شوروی بنا خودش دشمن است؟ اگر عقل سلیم حکم میکند که پاسخ این سوال منفی است، آنکه باید قبول کرد که اتحاد شوروی نه مخالف، بلکه موافق، نه دشمن، بلکه دوست و حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، لافل باین دلیل غیر قابل انکار است، که این انقلاب پایگاه نظامی آمریکایی ضد شوروی را در ایران درهم کوبیده و این جمهوری اسلامی ایران در قنون اساسی خود اعلام داشته که دیگر در ایران پایگاه نظامی بیگانه هرگز استقرار نخواهد یافت. وانگهی، به عمل اتحاد شوروی در مناسبات خود با ایران بنگریم. مگر این کشور نبود که تحریم اقتصادی ایران را رتو کرده مگر این کشور نبود که مکرر و رسنا ایالات متحده آمریکا را از تجاوز نظامی به جمهوری اسلامی ایران برحذر داشت؟ مگر این کشور

نیست که علی رغم انواع کارشکنی های قلب زاده ها، همواره دست دوستی خود را بسوی جمهوری اسلامی ایران دراز کرده است؟ یوزو - لیبرالهای ایرانی یرو خط پرژینسکی، به ما سبب توده ایران - تهمت میزنند که ما بدلیل «وابستگی»، از اتحاد شوروی دفاع میکنیم. ولی اینان که خود در صدند آمریکای غارتگر و مستکرم، آمریکای دشمن اصلی ایران را از «تجره» به ایران باز گردانند، بهتر از هر کس دیگری میدانند که ما «وابسته» به احدی نیستیم و دفاع ما، دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، از جمهوری اسلامی ایران در برابر امپریالیسم جهانخواه و آمریکای جنایتکار است و باین دلیل طرفدار دوستی جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی هستیم کما این کشور، کشور زحمتکش است که در پیکار دراز مدت با امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، میتواند در مقام زمینه ها به کشور ما، بر مبنای برابری کامل حقوق یاری رساند.

کشور بزرگ همسایه شمالی ما، هم بدلیل سرشت نظام اجتماعی - اقتصادی سوسیالیستی خود، هم بدلیل سیاست اصولی خود که از این نظام منشاء گرفته و علما تدوین شده، در جهت حمایت از انقلاب های ضد امپریالیستی و خلقی عمل میکند، دوست راستین و حامی برتوان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عرصه مبارزه دوران ساز علیه امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، و برای استقلال واقعی است.

بنابراین زنگار از «خط پرژینسکی» که میخواهد ایران را از حمایت اتحاد شوروی محروم کند، تا «رژیم خمینی» تضعیف شود و آسیب پذیر گردد.

توده ایها در سنگر...

بقیه از صفحه ۱
 انقلاب بسائبات رسیده است، بسیاری از وجدانهای شریف خود را سرزنش میکنند که، چرا از اول متوجه حقیقت نشده اند و چرا باین امر دقت نکرده اند که کلیه تصورات قبلی آنها درباره حزب توده ایران مبتنی بر تبلیغاتی بوده، که یک ربع قرن ساواک و دیگر مصادر رژیم ملعون پهلوی منتشر ساخته اند. اکنون بسیاری از وجدانهای شریف و بیدار، که روزی و روزگاری در گرداب تبلیغات ضد رده ای گرفتار بودند، از خود سوال میکنند که، اگر حزب توده ایران بدانگونه است که سالهای سال تبلیغ میکردند و ما تصور میکردیم، پس چرا در عمل برخلاف تصور ما از ایدر - آمد؟ اگر حزب توده ایران، بوده و «دشمن استقلال ایران» بوده و به همین «دلیل» به حکومت ملی مصدق «حیات کرده»، پس چرا امروز به جمهوری اسلامی ایران، که پرچمدار استقلال ایران است، «خیانت» نمی کند؟ چطور شده که جمهوری اسلامی ایران پشت کردند و برخیا حتی پورط «خیانت ضد انقلابی» در غلطیدند، ولی حزب توده ایران مدافع و پشتیبان صدیق جمهوری اسلامی است؟ پس آن حزب توده ای که میگفتند «دشمن دین» و «مخالف اسلام» است، کجاست؟ چرا توده ایها با عزمی راسخ و گاهی قاطع تر و عالانه تر از بسیاری از «مسلمانان» در پاسداری جمهوری اسلامی ایران ایستاده اند و با چشم بیدار و با چنگ و دندان از این جمهوری و از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی پشتیبانی میکنند؟ چرا حزب توده ایران در رفزاندوم جمهوری اسلامی و کلیه هم پرسی های دیگر فقط «آری» گفت و دیگران را هم به «آری» گفتن دعوت کرد و چرا بدون هیچ توقع و چشمداشتی در انتخابات گوناگون شرکت کرد و افراد مسلمان و مومن و مبارز را در سایه نامزد های انتخاباتی خود قرار داد؟ چرا حزب توده ایران مثل برخیها، بیعدالتی را بپناه قرار نداد و علیه جمهوری اسلامی سنگر نکرد و برعکس، در کنار برداران و خواهران مسلمان خود نپایه های انقلابی جمهوری اسلامی درست کرد؟ دفاع از این جمهوری قرار گرفت؟ چرا حزب توده ایران حتی بعد از اشغال خانه اش، از راه خود منحرف نگشت و همان طریق خود را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قاطع تر و راسخ تر ادامه داد و در دام تحریکها نیفتاد؟

این «چراها» و هزار و یک «چراهی» از این قبیل در جامعه هشیار و بیدار، مطرح بوده و هست، و هر پاسخی که وجدان پاک و خرد بورانی افراد باین «چراها» میدهد، چون پتکی بر هیولای دروغینی که سیاوساواک

میکرد که ارتش جمهوری اسلام، ایران آن انسجام و آمادگی کافی را ندارد که بتواند در برابر تجاوز فآگهانی ایستادگی کند. صدام حسین ها، پرژینسکی ها، کارترها، و از این قماش دشمنان خلقها هرگز نتوانسته اند، نمی توانند و نخواهند توانست، توانای خلقی را که برای استقلال و آزادی خود بپاخاسته، محاسبه کنند و همچنین جهت توانستند و اکتسی را که تجاوز جنایتکارانه در روحیه و عمل ارتش جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد، پیش بینی کفند. اینک شور انقلابی، همراه با نفرت نسبت به تجاوز در سراسر جنبه جنگ، در جسم و جان فرد فرد نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران فروزان است. افراد سپاه پاسداران از شعله کین مقدسی نسبت به متجاوز جنایتکار می-سوزند. خلق انقلابی قهرمان ما یکپارچه آماده جنگ است و با تمام هست و نیست خود به پشتیبانی از فرزندان عزیز خود، که در جبهه می جنگند، برخاسته است.

بگذریم از امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا، یکبار دیگر بدست رژیم صدام - حسین جانی، آزموده های گذشته خود را در ایران هم بیازماید. اگر این گانگسترهای بین المللی توانستند در ویتنام، در کوبا، در الجزایر، در آنکولا، در یمن دموکراتیک، در سوریه، در لیبی، در اتیوپی، در سومالی، در زیمبابوه و در همه دیگر کشورهای که خلقها برای آزادی و شرف و شایستگی خود قیام کرده اند، یوغ اسارت خود را تحمیل کنند، در ایران هم خواهند توانست. خلق بپاخاسته ما در شرایط

کوتی جهانی، شکست ناپذیر و بیروز است. خلق انقلابی قهرمان ما به رهبری خردمندان و قاطعانه امام خمینی، به پیروزی عبرت - انگیزی بر آمریکای غدار و سلطه گر و دست نشانده گان بی-مقدار آن دست خواهد یافت. نیروهای مسلح ما ارتش تجاوز کار بعثی عراق را درهم خواهد شکست. درود بر سپاهیان جانباز سپاه پاسداران و همه نیروهای مسلحی

درود پر شور...

بقیه از صفحه ۱
 تقویت روحیه، دلوری و از جان گذشتگی نیروهای مسلح رزمنده در جبهه جنگ است که، ارتش متجاوز بعثی عراق از آن برخوردار نیست و نمیتواند بر خوردار گردد. سیل عظیم جوانانی که در این روزها داوطلبانه برای نام نویسی و عزیمت به جبهه جنگ، به مراکز سرباز گیری و بسیج و سپاه پاسداران مراجعه میکنند، پنحوی بارز بیاتکر این واقعیت است که خلق ما یکپارچه آماده جنگ است و این خود باعث اطمینان خاطر نیروهای مسلح ما در جبهه، تقویت رزمندگی آنها و اعتماد آنها به پیروزی بر دشمن متجاوز است.

ما در عمل شاهد خصوصیات جنگی خلقی، آزادی بخش، عادلانه در برابر جنگی ضد خلقی، اسارتگر، ظالمانه هستیم و این خصوصیات در روحیه عالی پاسداران، سربازان، درجه داران، افسران، خلبانان و همه فرزندان مسلح خلق ایران، در دلوری و جانبازی بیدریغ آنها منعکس است.

رژیم جنایتکار بعثی عراق تصور و حشیانه «جمهوری دمکراتیک» ویتنام، نشان داد، امپریالیسم آمریکا، برای پیشبرد مقاصد جنایتکارانه خود از هیچگونه صحنه سازی ابا نمی ورزد. لیکن، خلق بپاخاسته و انقلابی ایران، که هم اکنون خود را در جنگ با آمریکاییها، از این گونه توطئه ها نیز هراس بدل زبان نمیدهد و عزم آن را دارد که در هر جبهه به امپریالیسم آمریکا درس شکست بدهد.

۴ لشکر ارتش آمریکا و چند لشکر تفنگدار آمریکایی، بعنوان نیروهای امدادی پرداخته است. این طرح بهره برداری از ۱۵ فرودگاه بندری، عمان، سومالی، مصر و جیبوتی را هم در بر میگیرد. فزون بر این، آمریکا برای این منظور ۷ فنکشن مخصوص گرایش کرده است، که در نزدیکی پایگاه دیگو گارسیا، در اقیانوس هند، استقرار یافته اند. بموجب گزارش دیگر، پنتاگون ستاد فرماندهی ویژه ای برای تنظیم و اجرای نقشه های نظامی در خلیج فارس برپا کرده است. دعوت کارتری از متحدانش برای شرکت در همسایه های نظامی خلیج فارس چنان خود رسواگر و ماجرا - جویانه بود که، هم اکنون برخی از اینان کم و بیش عدم تمایل خود را به پذیرش آن اعلام کرده اند.

اما، چنانکه ادموند ماسکی، وزیر خارجه آمریکا، بار دیگر تأکید کرده، آمریکا «در صورت بستن تنگه هرمز... مسئله اعزام نیروها» را همچنان «ممکن» می-شمرد. گرچه آن دوران، که امپریالیستها میتوانند در اقصی نقاط جهان هدفهای غارتگرانه و تجاوز کارانه خود را کم و بیش بدون مقاومت کارآ به جهانیان تحمیل کنند، سبزی شده است و نیروهای ضد امپریالیستی هر چه بیشتر توانایی مقابله موثر با این تکناتیها را یافته اند، باید در قبال ماجراجویی های دیوانه و ارام امپریالیسم آمریکا کاملا هشیار بود. تنگه هرمز، بکنار منابع غریبی، تا این لحظه باز است و هیچگونه مانعی برای گسترش بین المللی وجود ندارد، اما، چنانکه رویداد «سیاه» - «تولکن» بعنوان بپناه بپارانهای

توطئه جدید...

بقیه از صفحه ۱
 کشتیها را از تنگه حیاتی هرمز، مورد بررسی قرار دهند، و برای پیشبرد این منظور «ناوگان یا شرکت کشورهای صنعتی» تشکیل شود.

این نخستین باری نیست که امپریالیسم آمریکا «منافع حیاتی» خود و یاران چپالوگرش را در منطقه خلیج فارس پیش میکند. اعلام این منطقه بعنوان «هریم منافع ایالات متحده آمریکا» مضمون اساسی باصطلاح «دکترین کارتر» است، که در ۳۳ بهمن سال گذشته رسماً اعلام شد. بموجب این «دکترین»، امپریالیسم آمریکا بحدود اجازه میدهد که، برای تأمین منافع چپالوگرانه خود، بزرگترین ماشین نظامی خودش و ادرخلیج فارس، یعنی هزاران کیلومتر دور از مرزهای آمریکا، متمرکز سازد.

نوشته نیویورک تایمز، وزارت دفاع آمریکا «در حال حاضر منطقه خلیج فارس را بعنوان مهم ترین صحنه عملیات جنگی تلقی میکند».

این سخن بیخبر روی برای منا تاژی ندارد. انگیزه تشکیل باصطلاح «سپاه واکنش سریع»، مرکب از حداقل ۱۱۰ هزار نفر، را باید بویژه در کوشش برای پیشبرد هدفهای تجاوز کارانه «دکترین کارتر» در خلیج فارس و اقیانوس هند جستجو کرد. اکنون بیش از سی ناو جنگی آمریکا، از جمله ناوهای ویژه پیاده کردن نیرو، حامل ۱۸۰۰ فنکندار، در خلیج فارس مستقر شده است. گزارش های گوناگون ملکی است که پتاکون، همچنین به تقطیع طرح استفاده عملیاتی از

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکالی) ضرورت انقلاب ایران است

که جان برکف در برابر دشمن متجاوز در جبهه جنگ، فداکارانه از انقلاب، از تمامیت از رضم، کشور، از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند!

درود بر سربازان و درجه داران و افسران دلیر نیروهای مسلح زمینی، هوایی و دریایی جمهوری اسلامی ایران!

ما در این جنگی که از جانب آمریکا با تحمیل شده، پیروز خواهیم شد!

کوتی جهانی، شکست ناپذیر و بیروز است. خلق انقلابی قهرمان ما به رهبری خردمندان و قاطعانه امام خمینی، به پیروزی عبرت - انگیزی بر آمریکای غدار و سلطه گر و دست نشانده گان بی-مقدار آن دست خواهد یافت. نیروهای مسلح ما ارتش تجاوز کار بعثی عراق را درهم خواهد شکست. درود بر سپاهیان جانباز سپاه پاسداران و همه نیروهای مسلحی

خودپنهانگری

آقای مهندس بازرگان، زیر عنوان "نهضت ضد ایران"، مقاله‌ای از روزنامه "کیهان" (مورخ ۱۳۵۹/۶/۲۳) منتشر کرده اند، بصورت جمله به آنچه ننشاید بشود، بدون طرح و بیان مشخص آنچه باید بشود، و این بار بدین وسیله، باز از "برنامه دولت موقت"، دفاع کرده اند.

در مقاله طبعاً نامی از امیرالایم آمریکا برده نشده است.

در مقاله ابتدا این دعوی مطرح شده که، از تقریباً ده ماه پیش باین طرف (یعنی از بعد از سقوط دولت موقت و اشغال لانه جاسوسی آمریکا) با "افشاگرها" یا دانشجویان مسلمان بیروخطام، مرحله ای آغاز شده و تاکنون ادامه دارد، که نام آنرا آقای بازرگان، مرحله "نهضت ضد ایران" و یا "خودپنهانگری" گذارده اند.

بنوشته آقای بازرگان، "تیرکمونیتها"، که بیش از هر گروه دیگر اشغال کنندگان لانه جاسوسی را تشویق به ادامه افشاگری می نمودند، به هدف اما نیت کرده، مردم را نسبت به پایه گذاران و خدمت گزاران بدین ساختن و با پاشیدن تخم دشمنی درجا معه، دستجات و نیروهای انقلاب را به خودپنهانگری واداشتند.

پس تا اینجا، دانشجویان مسلمان بیروخطام و "کمونیتها"، که آنها را تشویق به ادامه افشاگری کردند، باعث "خودپنهانگری" هستند، و اگر افشاگر امیرانتظامها، مقدمه را غایبها، علویها

و مانند آنها صورت نمی گرفت و نیز "پایه گذاران و خدمت گزاران"، که در میان "دسته گل" نامه شکوایه از "علیحضرت" به آمریکا کاشی با تقدیم می داشتند طرفدار "مشروطه با شاه مشروطه خواه" و یا در بهترین حالت طرفدار "مشروطیت بی شاه" بودند، بمردم چنانکه هستند، معرفی نمی شدند، آنگاه "خودپنهانگری" و "نهضت ضد ایران" پیش نمی آمد و در سایه "خط گام بگام"، و تحت لوای "برنامه دولت موقت"، دوران شوهرمند آبا دساری نهضت آزادی ایران، بکنک برزیستیکی و سیاست "چون وابسته بوده ایم باید وابسته بمانیم" ادامه می یافت.

مقاله نشان میدهد که تنها مانند همیشه "چیها" در فکر آقای بازرگان "قاپی" باقی مانده اند، بلکه همه نیروها و احزاب و نهادهای زائیده از انقلاب با "چیها" "قاپی" شده اند و همه درجه "خود - پنهانگری" و "نهضت ضد ایران" قرار گرفتند.

بنوشته آقای بازرگان، "کلنگ اول خودپنهانگری و نهضت ضد ایران" بدست "کدائیان خلق وچیها" و در روزنامه "آیندگان"، بیکار و مردم غیره کوبیده شد و سپس با "الفاظ اسلامی تحت لسانوی فداستثمار علیه فتوای لایسم و سرمایه داری در تداوم انقلاب و شعار شورا وسیله کمیته های خودرو و شورا های محلی خصوصی و با تاسیس انجمن های خلقی و سپس اسلامی، این "خود پنهانگری و نهضت ضد ایران" گسترش یافت. اینان - بادعای آقای بازرگان - به "موسسات اقتصادی و تولیدی کشور در بخشهای خصوصی و دولتی کثا ورزی و صنعتی" حمله کردند و "در کارخانه ها نیز دستورالعمل این بود که هر همذرا، از کارفرما و سهام دار و مدیر و مهندس و مقام مالی و اداری و فنی بیرون بریزند، که حتما کار باید بدست منتخبین خودشان بیفتد، که بسیاری از آنها سابقه ساواکی و جیبی داشتند و شورا های صنعتی که هیئت های انحرافی، احزاب چپ و حزب و ارت اسلامی جمهوری آنها را رهبری می کردند.

چنانکه می بینید، کمیته ها، شوراها و انجمن های خلقی و اسلامی، ساواکی و جیبی، احزاب چپ و حزب جمهوری اسلامی، همه با هم درمغز "هیرنهضت آزادی و پرهیزداری" خط گام بگام، بکنک "قاپی" شده و همه در "نهضت ضد ایران" و "خودپنهانگری" قرار گرفته اند!

از عملیات این "خودپنهانگری"، یکی هم ویرانگری دستگاه اداری است آقای بازرگان "پاکسازی" دستگاه اداری را در همان حدودی قابل قبول میدانند که در دوران "دولت موقت" انجام گرفته است، اواز برخی نارسائیهای این نتیجه را میگیرد که، پاکسازی "ویرانگری" است و می نویسد:

ویرانگری دستگاه عظیم دولت، که میلیاردها سرمایه مملکت صرف آن شده با وجود زیاد بی تناسب کارمندان و مقررات و احتیاج مبرم به تقلیل و تجدید نظر، بخواهید و نخواهید یگانگی وسیله

دهه هشتاد برای خلقهای افریقای الاصل آمریکایی، بورتوریکویی، جیکانو، سرخ پوست بومی آمریکا و آسیای حوزه اقیانوس آرام، یعنی برای ۵۵ میلیون آمریکایی، که از ستم نژادی و ملی رنج می برند به گونه ای بدتر از آنها "تشدید شرایط قبلی" آغاز میشود.

دهه های پنجاه و شصت دوران امید و وعده بودند. در این دوران سیاهان و سایر خلقهای تحت ستم نژادی و ملی دستاوردهای مهمی کسب کردند. آنها حق رای، حق انتخاب شدن به اداره امور عمومی و شهری و حق شرکت در مدارس مختلط نژادی را به دست آوردند. در بسیاری نقاط محدودیت نژادهای غیر سفید در استفاده از وسایل حمل و نقل، رستورانها و سایر تسهیلات عمومی حذف شد.

لیکن با سالهای هفتاد، دهه نومیدی و محرومیت آغاز شد. بسیاری از حقوقی که طی مبارزات بدست آمده بود، در عمل تضعیف شد و گاهی تماما ابطال گردید. تقسیمات مجدد و مزورانه در نواحی رای گیری به مورد اجرا گذاشته شد، تا از این طریق تاثیر برای خلقهای تحت ستم ملی تنزل یابد. تاسیس مدارس خصوصی و اعمال و ابزار دیگری از این قبیل مانع اجرای اصل رفع محدودیت نژادهای غیر سفید در مدارس شد. در بسیاری از قسمتهای شمالی جدا کردن نژادهای غیر سفید عملاً افزایش یافت. صلب سوزان و سایر اشکال تهدید و اجبار در مناطقی که قبلاً تماماً سفید پوست نشین بوده و اینک سیاهان بدان نقل مکان کرده بودند، افزایش یافت. با وجود بزرگترین شکست هادرزمنه های کلیدی

هم اکنون هم در نهایت تنگدستی بسر می برند. از این رونقهای اقتصادی و اجتماعی که هم اکنون این مردم، در اثر آن کمر خم کرده اند، سنگینی خواهد شد. اینها چیزی نیستند به جز سیاحت های رسمی تبعیض نژادی.

در این اوضاع و احوال، آنچه که بیش از هر زمان دیگر، برای وارد کردن ضربه مؤثر بر سیاست های استعمار بیش از حد و ستم وارده بر امریکائیهای افریقای الاصل و سایر خلقهای تحت ستم لازم است، به دست آوردن درک روشن از مسئله است. به همین جهت ضرور است که موارد زیر روشن شود:

علل واقعی تبعیض نژادی، چه کسانی از آن سود می برند و چه کسانی لطمه می بینند؟ چه کسانی دشمن محسوب می شوند و چه کسانی متحدین خلقهای ستم دیده هستند یا می توانند باشند؟

این مسئله به چنان استراتژی نیازمند است که بتواند نه تنها در زمینه حقوق و آزادی های دموکراتیک، بلکه در زمینه اشتغال، مسکن، مراقبت های بهداشتی و سایر زمینه های اقتصادی پیشرفت در پی داشته باشد.

علل اساسی تبعیض نژادی چیست؟ از نقطه نظر تاریخی، تبعیض نژادی در این کشور (ایالات متحده) از برده داری منشا گرفته است. تنها از طریق ایدئولوژی نژاد پرستانه، همچنان کور و تعصب بود که برده داران می توانستند برای توجیه یک چنین نهاد ددمنانه و غیر انسانی تلاش کنند و آنرا منطقی جلوه دهند. امروزه می توان علت اساسی تبعیض نژادی را، سرمایه های انحصاری دانست. نگاه های

کس های دیوکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا: تبعیض نژادی در آمریکا گسترش می یابد

غول آسای که مسلط بر اقتصاد، دولت، وسایل ارتباطات و نهادهای آموزشی کشور ما هستند. اساساً باید گفت که تنها نگاه های بزرگ هستند که از تبعیض نژادی سود می برند، آنرا حفظ می کنند، بدان دامن می زنند و از آن برای به دست آوردن سودهای افسانه ای به نفع از اصل "تفرقه بینداز و حکومت کن" استفاده می کنند.

نگاه های بزرگ با پرداخت دستمزدهایی که به طور مصنوعی در سطح نازل نگاه داشته شده اند، به کارگران تحت ستم نژادی عملاً "میلیاردها" به جیب می زنند. آنها عملاً روش های طبقه بندی مشاغل را به کار می گیرند، تا از این طریق مشاغل مخصوصی را کم ارزش تر از بقیه قلمداد کنند. و این عمل تمخاطرات آن است که این مشاغل مهارت کمتری لازم دارند، بلکه به این علت است که جنس مشاغلی به طور عمده به وسیله سیاهان، جیکانوها، بورتوریکویی ها و سایر گروه های تحت ستم اشغال شده است. کارگران سفید پوست باید درک کنند که تا بین نگاه داشتن دستمزد کارگران تحت ستم نژادی و ملی، دستمزد کارگران سفید را هم به همان ترتیب پایین نگاه می دارد.

تبعیض نژادی مانعی است بر سر راه زندگی بهتر برای همه صاحبان مستلعات، دلایل املاک و بانکها از طریق دامن زدن عمدی به مسئله تبعیض نژادی، درآمدهای به اندازه میلیاردها به دست می آورند. آن ها با استفاده از مسئله تبعیض نژادی بازار مسکن را

اقتصاد، شکست در عرضه حل مشکلات اشغال، ترفیع و ارتقاء، مسکن، مراقبت های بهداشتی و امثال آن، بصورت سدی و وحشتناک در راه پیشرفت اجتماعی برآمده است.

سیاست های رسمی تبعیض نژادی وضع اشتغال را در نظر میگیریم. در سال گذشته میانگین نرخ بیکاری برای سفیدها در حد ۵/۱٪ بوده در حالیکه برای گروهی که تحت عنوان "سیاه و غیره" مشخص شده اند، میانگین ۱۱/۳٪ را نشان میدهد. و تازه، این ارقام بیانگر واقعیت موجود نیست، زیرا آندسته از کارگرانی را که با از دست دادن هرگونه امید، دیگر برای یافتن کار "جستجوی فعال" نمیکند شامل نمیشود. نرخ واقعی بیکاری در میان خلقهای تحت ستم - و خصوصاً خلق سیاه - به رقم ۲۰٪ نزدیک تر است. این رقم برای جوانان سیاه برخی مناطق به مرز فاجعه ۷۰-۵۰٪ میرسد. سالهاست که برای خلقهای تحت ستم، بیکاری در سطح رکود شدید سالهای دهه ۳۰ باقی مانده است. علاوه بر مسئله رفع محدودیت نژادهای غیر سفید، دادگاهها در دهه هفتاد برای دادن امر شهادت نیز موانع قانونی ایجاد کردند.

سیاست های اقتصادی کارتر در زمینه قابل شدن "اهمیت درجه اول برای سوده های انحصارات" که برای دهه هشتاد دارای اهمیت نژاد پرستانه است، این سیاستها البته همه ما را به تنزل معیارهای معیشت و کیفیت زندگی قرا می خوانند، اما فشار ویژه ایسین سیاست متوجه خلقهای تحت ستمی است که

حیات و حرکت کشور می باشد.

آقای بازرگان نمی خواهد و نمیتواند توجه کند که، هر انقلابی دستگاه اداری و نظامی خود را میخواهد و ابزار کار حکومت طاغوت، نمیتواند ابزار کار حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد.

در او خرمقاله، تمام کوشش خود - پنهانگری "خوبیننده بر یاد میرود معلوم میشود که "خودپنهانگری" یعنی مخالفت با مشی سیاسی و برنامه دولت موقت، در دوران دولت موقت آغاز زنده و نه بعد از اشغال لانه جاسوسی و سقوط دولت موقت.

در مقاله میخوانیم که: "برنامه خودپنهانگری تنها جسم و تضعیف هائ است که از ماههای دوم و سوم بعد از پیروزی انقلاب نسبت به دولت (موقت) و دولتیان، علاوه بر افشاگری که قبلاً گفتیم، بعمل می آمد. چهار طریق توسعه و تسلط مراکز تصمیم گیری، که از ابتدا یک امر ضروری و قابل تقدیر بود (ولی آقای بازرگان با آنها مخالفت کردند) و جهت یابی "سو" (یعنی انتقاد از دولت موقت) و تحقیری که نسبت به دولت موقت صورت می گرفت، پس اگر نهادهای انقلابی، و یا به اصطلاح آقای بازرگان، "مراکز تصمیم گیری" که در ابتدا یک امر ضروری و قابل تقدیر بودند) با استقرار دولت موقت برچیده می شدند و انتقادی هم از دولت موقت به عمل نمی آمد و دولت موقت میتواند همه نظریات خود را در حفظ سرمایه داری بزرگ و وابسته و زمینداری بزرگ، در حفظ دستگاه دولتی و ارتش طاغوتی و نجسات ساواکیها و طاغوتیان از پیگیرد، در پیشبرد سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا و بازگرداندن جیب و لگران خون -

خوار یا نیکی از "بئرحه" اعمال کند، در اینصورت "خودپنهانگری" آغاز نمیشود، بورژوازی لیبرال به رهبری آقای بازرگان و یاران و همکارانش انقلاب را ترمز می کردند، مسرودا میریالیستی و خلقی را تفسیر میدادند، و "مشروطیت بی شاه" و " رژیم گذشته منتهای شاه" را (و کسی چه میداند، شاید شاه "مسلمان" و مشروطه خواهی!) مجدداً برگرداند مردم سوار می کردند.

آقای بازرگان هنوز هم با نهادهای انقلابی مخالفت است و می نویسد:

"مراکز تصمیم گیری مختلف و نهادهای انقلاب می با یستی بندریج که دولت جان میگیرد. آنچه موقت و غیر ضروری است منحل یا تصرف گردد و آنچه ضروری است، سیاه انقلاب، کمیته ها، دادگاه ها، جهاد سازندگی، ادغام در واحدهای دولتی شوند."

و نیز مینویسد: "نهادهای انقلاب در مجموع، یک دولت انقلابی رقیب یا معارض ومدعی دولت قانونی تشکیل دادند، اند، که این دولت انقلابی "غیرقانونی" باید منحل شود!

با انحلال این دولت انقلاب "غیر-قانونی"، قاعدتاً کار جریبه "خودپنهانگری" دیگر ساخته میشود و "نهضت ضد ایران" جای خود را به "نهضت آزادی ایسران" میسپارد! باقی می ماند سازندگی!

می نویسد:

"مطلب دیگر بعنوان آخرین ماده (ملاحظه می کنید که کار را در تمام مینویسد) که از جهت منفی خودپنهانگری محسوب میشود، عدم توجه لازم به سازندگی است و کار، یعنی به شمر رساندن واقعی انقلاب می باشد."

چه نوع سازندگی و کدام کار؟ آن

بصورت منطقه ای درمی آورند. آزادی مردم در انتخاب محل سکونت حداً محدود است و در این زمینه سیاست "خطر سرخ" به شدت اعمال می شود نه فقط سیاهان مجبورند برای مسکن محقر در محله های فقیرانیت ها، قیمت های بی رحمانه زیادی بپردازند، بلکه به این وسیله خارها برای سایر امریکایی هائیز بالا نگاه داشته می شود.

دروم سسات، از تبعیض نژادی به منظور تحریک گروهی از کارگران علیه گروه دیگر استفاده می شود و این وسیله ای است برای ایجاد تفرقه در بین اتحادیه های صنفی و جنبش کارگری و برای توقف جنبش عمومی طبقه کارگری، وسیله ای برای اعمال حاکمیت طبقاتی. تبعیض نژادی سلاح اصلی سرمایه کلان تجارنی برای اداره سیاسی و اقتصادی کشور است.

برای حل مشکلات مبرم کشور ما، مطلقاً ضروری است که امریکایی های سفید پوست منافع شخصی خود را در مبارزه با تبعیض نژادی، و این حقیقت که آنها خود نیز یازنده هستند، درک کنند. تبعیض نژادی مانعی است بر سر راه زندگی بهتر برای همه و پیشرفت اجتماعی به طور عام.

اکثریت قاطع سفید پوستان - آنها کسی که وابسته به منافع انحصارات هستند - از تبعیض نژادی سودی نمی برند. این امر مخصوص در ایام بحران اقتصادی، چون دوران حاضر، روشن تر می شود. مردم در ایالات متحده از تورمی خارج از کنترل رنج می برند. بیکاری در سطحی بالا و رو به تری است. اکنون درآمد واقعی کارگران برای خرج کردن از بازده سال پیش کمتر شده است. تنها در سال گذشته، درآمد همزان ۷ درصد سقوط کرد. دولت منظم "اعلام می کند که سطح زندگی تمام کارگران باید تنزل یابد.

تبعیض نژادی باعث انحراف توجه از مشکلات اصلی، از علل واقعی این مشکلات و در نتیجه از راه حل های ضروری آن است. تبعیض نژادی باعث تفرقه بین مردم می شود، تا ایشان از مقابله همبستگی طبقاتی این بدین معنی نیست که یک کارگر سفید پوست نخواهد توانست در نتیجه تبعیض علیه فردی که تحت ستم نژادی است، امتیازات بخصوص و بلافاصله به دست آورد. لیکن در اکثر موارد چنین امتیازی به قیمت قربانی کردن منافع بزرگتر و اساسی تر به دست می آید.

به عنوان نمونه، ممکن است برخی کارگران سفید پوست بخش ساختمان، در نتیجه اعمال تبعیض علیه کارگران تحت ستم نژادی، برخی امتیازات بلافاصله در اشغال در این بخش بدست آورند. ولی تاثیر این مسئله چقدر است؟ بخصوص در شرایط کونی که دولت عمداً "صنعت ساختمان را خفه می کند و بیکاری در بخش های ساختمانی به سرعت رو به افزایش است؟

منافع واقعی کارگران ساختمانی سفید پوست در اعمال روش های تبعیض نیست، بلکه در مبارزه ای است با هدف اداره اقتصاد، به نحوی که کار به اندازه کافی برای همه تامین گردد.

تبعیض نژادی، اتحادیه های صنفی ساختمان نی را به نحوی مؤثر تضعیف کرده و موجب شده است کارگران مجبور شوند، نقلی دستمزدها را بقیه در صفحه ۶

سازندگی و کاری که "در صدر برنامه دولت موقت قرار داشت!"

مقاله که تمام میشود و امضاء میشود، نویسنده نشان که متوجه میشود که "خود-پنهانگری" را فدای دفاع از "برنامه" دولت موقت نموده و ناخواسته "خود - افشاگری" کرده است.

در مردم جبران بر می آید و "خودپنهان-گرانه" می نویسد:

"مخالفت با افشاگری خود و ویرانگری و با طرد و تمغیه بهیچوجه بمعنای انکار حیات و خطا و وجود ضد انقلاب نیست، بحث روی کیفیت برخورد است. آیا باید به محض احساس مختصر اختلاف و اعتراف چنانی تکفیراً برداشت و بر سر هر بیگانه و آشنا کوبید؟ (و همه را "قاپی" کرد؟) و انگیزه بیسون بازی کشیشهای ترون وسطی را راه انداخت و با نارضایتی نیمه - راهیان را به اردوی مخالفین هل داد؟ برای دلسوزی مستضعفین، آیا بساید مستکبرین جدیدی بوجود آوریم و مستضعفین تازه ای بسازیم؟

نه، آقای بازرگان! هیچک از این کارها را نباید کرد، و نیز از مستکبرین سابق نباید دفاع کرد و آنها را حفظ کرد و مستضعفین سابق را نیز نباید در استضعاف باقی گذاشت. تمام مطلب بر سر نوسازی اقتصادی - اجتماعی کشور بسود مستضعفان است، که ضمن مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم سلطه جو و غارتگر و ضمن تامین استقلال نام و تمام کشور در همه زمینه ها امکان پذیر است.

کارگران گچ کازرون: ما نمی توانیم میوه بخیریم، می خواهد گران باشد یسا ارزان

در کازرون حدود ۲۰ کارخانه گچ وجود دارد، که هر کدام از این کارخانه ها دارای ۸ تا ۱۴ کوره هستند و روی هر کوره ۲ تا ۳ نفر کارگر کار میکنند.

طرز کار در کارخانه گچ سازی باین ترتیب است که، ابتدا سنگ گچ را از معدن (که قبلا بوسیله ۱۲ تا ۱۴ کارگر آماده شده است) به کارخانه حمل میکنند و چند نفر کارگر دیگر سنگ گچ را در کوره می چینند و زیر آنرا آتش میکنند. پس از اینکه سنگ گچ ها خوب پخته شد، آتش را خاموش میکنند، تا سنگ گچ های پخته شده هوا بخورد و سرد شوند. پس از سرد شدن سنگ گچ ها، کارگران آنها را در دستگاهی بنام چکش می ریزند. این دستگاه سنگ گچ های پخته شده را خرد میکند و بصورت گچ در می آورد. همین گچ کارخانه داران تنی ۱۲۰ تا ۱۵۰۰ ریال می فروشند.

مزد کارگران در قبال ۹ ساعت کار ۷۰ تا ۹۰ ریال است. محیط کار کاملاً غیر بهداشتی است و گرد و خاک حاصله از گچ و گرمای موجود، که بر آیه ختن گچ ها لازم است، کارگران را بسیار ناراحت میکند.

گرایی روز افزون مواد غذایی، کارگران را با حقوق کمی که دارند، کلافه کرده است. یکی از کارگران می گفت:

" ما نمی توانیم میوه بخیریم، می خواهد گران باشد با ارزان. گوشت هم هفته ای یک وعده می خیریم، زیرا با حقوق روزی ۷۰۰ ریال و کرایه خانه ماهی ۷۰۰۰ ریال نمی توانیم زیاد گوشت بخیریم. مواد غذایی هم که بسیار گران است."

یکی دیگر از کارگران گفت:

ماهی فروشان بندر عباس در دریای فقرو محرومیت شناورند



آمنه (نفر اول سمت راست): من با اینکه خودم کار می کنم، شوهرم نیز باربری میکند، ولی حتی خرج خودمان را نیز نمیتوانیم تأمین کنیم، چه رسد به اینکه مقداری هم به دوا و دکتر اختصاص دهیم.

زندگی ماهی فروشان زحمتکش نمونه دیگری است از حاصل حکومت جیالو و غارتگری خاندان پهلوی و از بانان امیرالیستش به خصوص امیرالیسم جنایتکار امیرکومشتی است نمونه خروار زحمتکشانی که از کترین حقوق انسانی، نظیر بیمه، بازنشستگی مسکن مناسب، حق اولاد، حق خواربار، و حتی از سببانی برای محل فروش ماهی بی بهره اند.

زندگی آنها سراسر پر از رنج و محرومیت است. امید آنها به دریاست و اگر روزی باران بارند - که عموماً فقط زمستان همینطور است - آنها با فقر و بی کاری باید دست و پنجه نرم کنند.

بوی تعفن ماهی، نزدیکی محل های فروش - ماهی را به ما گوشزد کرد. در آن محل جمعیت موج می زد. بهر جا که می گذاریم، انبوهی از مگس ها که به صورت پارچه سبایی بود، در پرواز بودند. گرمای طاقت فرسا همه را کلافه کرده بود و عرق از سر و روی ماهی فروش ها و مردمی که به آنجا برای خرید ماهی آمده بودند، می چکید.

به یکی از ماهی فروش ها، که با کار در حال پاک کردن ماهی بود، نزدیک شدیم و از او در مورد وضع کار و خانواده اش پرسیدیم. او در پاسخ گفت:

" اسم غلام حیدری است، هشت ساله دارم. سی سال است که از ده به شهر آمده ام و همیشه ماهی فروش بوده ام. ماهی را کیلویی شانزده تومان می خریم و هر چه ده تومان می فروشیم و اگر کسی خواست برایش پاک کنیم دو تومان اضافی می گیریم. وضع فروش ماهی همیشه اینطور خوب نیست. حداکثر فروش ما سی تا چهل کیلو و حداقل ده کیلو است. اگر وسایل کشاورزی و زمین در اختیارمان قرار دهند، حاضریم بدهه بریم."

درد ماهی فروشان یکی دو تا نیست. درد - یکی در همه در یکی است. با اینکه بیشتر ماهی فروشان سالهاست که به اینکار مشغولند، حتی سربازی ندارند که از آفتاب داغ بندر عباس در - امان باشند. به همین جهت غلام گفت:

" ما از دولت انقلابی انتظار داریم که حداقل سببانی در اختیار ما قرار دهد، تا از آفتاب مصون باشیم."

از غلام حیدری خدا حافظی کردیم و به دو - شریک به نام های حسن دستغیب هفتاد ساله و حسن سلمانی بیست و دو ساله رسیدیم. دست و پای هر دو آنها پر از پولک ماهی است. باهای آنها برهنه است و لباس هر دو زیر پیراهنی و یک لنگ است که به خود پیچیده اند. جین و چروک بیشتی آنها نشان - دهنده سالها زحمت و رنج تحمل سالها محرومیت های اجتماعی است. در مورد وضع ماهی و ماهی فروشان پرسیدیم. یکی از آنها گفت:

" ماهی را کیلویی شانزده تومان از تاجر صید ماهی می خریم. چون در حال حاضر ماهی تازه صید نمی شود، ناچاریم ماهی یخ زده را بخیریم و بفروشیم، که البته بعد از آب شدن یخ، از وزن ماهی کم می - شود. از طرف دیگر، اگر ماهی در همان روز به فروش نرسد، می گندد و دیگر کسی آنرا نمی خرد و ماضور می کنیم."

این سخنان حسن دستغیب بود.

حسن سلمانی، که با کار بزرگ مخصوص در حال پاک کردن ماهی بود، گفت:

" بعضی وقت ها تا جران ماهی توسط عواملشان ماهی را به محل فروش می آورند و به همان قیمتی که به ما فروخته اند، به مشتری می فروشند. در نتیجه ما هم مجبوریم که ماهی را به قیمت خرید بفروشیم. ما برای این منظور به همه جا مراجعه کردیم، ولی کسی گوش بدهکار نیست."

ماهی فروشان، که خود زحمتکش اند، درد و رنج سایر زحمتکشان را هم خوب درک می کنند. به همین سبب است که حسن، که خود ده سال است که به اینکار مشغول است، گفت:

" از دولت انتظار داریم که اولاً نرخ ماهی را مشخص کند، تا هم ما ضرر نکنیم و هم مردم بتوانند بخیرند و گرانی بردوش آنها سنگینی نکند. ثانیاً، صیادان ماهی در فصل زمستان ماهی های صید شده را بجای اینکه به ما بدهند، به شهرهای سردسیر می برند و به قیمت بیشتری می فروشند. ما انتظار داریم که دولت از کار آنها جلوگیری کند، تا مردم

از بدست آوردن ماهی در مضیقه نباشند."

با ماهی فروش دیگری به نام حسن ملاحی به گفتگو نشستیم. او گفت:

" ما شش نفر هستیم که در یک خانه زندگی می - کنیم. این خانه سال گذشته بر اثر بارندگی به کلی فرو ریخته و فقط یک اتاق از آن باقی است. چندین بار تا کنون به جهاد سازندگی و کمیته مراجعه کرده ام ولی کو گوش شنوا. درآمد آن چنانی هم ندارم که مقداری از آنرا برای تغییر خانه پس انداز کنم."

در پاسخ ما پرسیدیم: از دولت انقلابی چه خواستی داری؟ دستپاچگی را، که حاهای بریدگی چاقو در آن ها دیده می شد، نشانمان داد و گفت:

" بیمه و بعد بازنشستگی، سببانی هم برای فروش ماهی، بهداشت در محیط کار تا هم راحت - باشیم و هم مردمی که به اینجا جهت خرید ماهی می آیند، از بوی تعفن ماهی در عذاب نباشند."

در این محل فقط مردان هستند که مشغول - فروش ماهی اند، بلکه زنان نیز بایای مردان کار می کنند. زنانی که به علت کثرت خوار، بجای اینکه در خانه از بچه های خردسال خود مواظبت کنند ناچارند کمک خرج شوهرانشان باشند. زنی که در گوشه ای مشغول فروش ماهی بود، سبب آداب و سنن قدیمی زنان بندر عباس، رو بنده ای به بچه داشت. اگر چه نمی توان از خطوط بیشتی او سببهای محرومیت را دید، ولی از دستهای بنه بسته اش، محرومیت به خوبی نمایان است. او آفته نام دارد و خرج - دوازده نفر را تأمین می کند. او گفت:

" چرا تا به حال دولت به وضع ما رسیدگی نکرده است؟ من با اینکه خودم کار می کنم، شوهرم نیز باربری می کند، ولی حتی خرج خودمان را نیز نمی توانیم تأمین کنیم، چه رسد به اینکه مقداری هم به دوا و دکتر اختصاص دهیم. زندگی ما تا زمانی تا همین است که کار کنیم. اگر روزی زمین گیر شویم، اجباراً باید بچه های ما جانشین ما شوند."

زندگی ماهی فروشان نیز مانند دیگر زحمت - کشان و محرومان جامعه بسیار اسفبار است. آن ها خواهان رسیدگی به وضع خود هستند. آنها توقع زیادی ندارند و حق طبیعی خود را، که یک انسان برای ادامه زندگی به آن احتیاج دارد، می خواهند از قبیل بیمه، بازنشستگی، تأمین زندگی در هنگام پیری، تأمین آسایش فرزندان، مسکن مناسب، امکانات بهداشتی در محل و سببانی برای فروش ماهی - امیدواریم که مسئولان امور هر چه زودتر به - خواستهای برحق ماهی فروشان پاسخ مثبت دهند.

از بدست آوردن ماهی در مضیقه نباشند."

با ماهی فروش دیگری به نام حسن ملاحی به گفتگو نشستیم. او گفت:

" ما شش نفر هستیم که در یک خانه زندگی می - کنیم. این خانه سال گذشته بر اثر بارندگی به کلی فرو ریخته و فقط یک اتاق از آن باقی است. چندین بار تا کنون به جهاد سازندگی و کمیته مراجعه کرده ام ولی کو گوش شنوا. درآمد آن چنانی هم ندارم که مقداری از آنرا برای تغییر خانه پس انداز کنم."

در پاسخ ما پرسیدیم: از دولت انقلابی چه خواستی داری؟ دستپاچگی را، که حاهای بریدگی چاقو در آن ها دیده می شد، نشانمان داد و گفت:

" بیمه و بعد بازنشستگی، سببانی هم برای فروش ماهی، بهداشت در محیط کار تا هم راحت - باشیم و هم مردمی که به اینجا جهت خرید ماهی می آیند، از بوی تعفن ماهی در عذاب نباشند."

در این محل فقط مردان هستند که مشغول - فروش ماهی اند، بلکه زنان نیز بایای مردان کار می کنند. زنانی که به علت کثرت خوار، بجای اینکه در خانه از بچه های خردسال خود مواظبت کنند ناچارند کمک خرج شوهرانشان باشند. زنی که در گوشه ای مشغول فروش ماهی بود، سبب آداب و سنن قدیمی زنان بندر عباس، رو بنده ای به بچه داشت. اگر چه نمی توان از خطوط بیشتی او سببهای محرومیت را دید، ولی از دستهای بنه بسته اش، محرومیت به خوبی نمایان است. او آفته نام دارد و خرج - دوازده نفر را تأمین می کند. او گفت:

" چرا تا به حال دولت به وضع ما رسیدگی نکرده است؟ من با اینکه خودم کار می کنم، شوهرم نیز باربری می کند، ولی حتی خرج خودمان را نیز نمی توانیم تأمین کنیم، چه رسد به اینکه مقداری هم به دوا و دکتر اختصاص دهیم. زندگی ما تا زمانی تا همین است که کار کنیم. اگر روزی زمین گیر شویم، اجباراً باید بچه های ما جانشین ما شوند."

زندگی ماهی فروشان نیز مانند دیگر زحمت - کشان و محرومان جامعه بسیار اسفبار است. آن ها خواهان رسیدگی به وضع خود هستند. آنها توقع زیادی ندارند و حق طبیعی خود را، که یک انسان برای ادامه زندگی به آن احتیاج دارد، می خواهند از قبیل بیمه، بازنشستگی، تأمین زندگی در هنگام پیری، تأمین آسایش فرزندان، مسکن مناسب، امکانات بهداشتی در محل و سببانی برای فروش ماهی - امیدواریم که مسئولان امور هر چه زودتر به - خواستهای برحق ماهی فروشان پاسخ مثبت دهند.

دست ضد انقلاب را از راه آهن کوتاه کنید!

کرفته شده اند.

نمونه دیگر این خرابکاریها چندین پیش بر روی سوزنهای برقی انجام گرفت، که باعث خرابی و از کار - افتادن ۵ دستگاه از سوزنهای برقی شد. این خرابی بین ۲۰ تا ۲۵ روز بطول انجامید و هر بار به بهانه های از تعمیر کردن آن سرباز زده شد. یکبار به بهانه "نداشتن وسایل از قبیل کابل برق و بار دیگر به بهانه "فقدان کانال برای کشیدن کابل". سرانجام نیز گفته میشود که کارهای مربوط به سوزنهای الکتریکی را باید با دست انجام داد. البته ناگفته نماند که این موضوع چندین بار به مقامات مسئول گزارش شده بود که به آن ترتیب اثر نداده بودند. پس از اطلاع پاکسازی راه آهن و یاد - در - اختیار گذاشتن وسایل لازم، سوزنهایی که قریب ۲۵ روز تعمیر نشده بودند، در مدت ۲ ساعت تعمیر و تحویل داده شدند!

چنانکه مشاهده میشود، فعالیت ضد انقلاب وسیع و گسترده است. هر یک از این گونه خرابکاریها، که هر چند به ظاهر جزئی هستند، میتواند بر روی هم کوهی از مشکلات را در برابر مسئولین امر قرار دهد، مشکلاتی که سختی قادر به حل آن باشند.

فعالیت ضد انقلاب را باید در نطفه خفه کرد و راه را برای رسیدن به سوی پیشرفت انقلاب هموار ساخت.

پس از انقلاب شکوهمند ضد امیرالیستی و خلقی میهنان، ضد انقلاب با فعالیت گسترده و همه جانبه خود دست به خرابکاری زده است. تا انقلاب را از - مسراصلی منحرف سازد، از پیشرفت و تعمیق آن جلوگیری کند و آبراه شکست بکشد. ضد انقلاب برای انجام نیات شوم خود به راهها و وسایل مختلف متوسل شده است. یکی از این فعالیت های خرابکارانه، نفوذ در نهادهای انقلابی و دولتی است. نفوذ در جاهای که میتواند ضربات جدی و جبران ناپذیری بر انقلاب وارد سازد. یکی از این نهادها، که از نفوذ ضد انقلاب مصون نمانده و ضربات جدی از طرف ضد انقلاب بان وارد شده، راه آهن است. نفوذ عوامل ضد انقلاب در کادرفنی راه آهن، تاکنون باعث خرابکاریها و در نتیجه تعطیل قسمتهایی، از جمله حمل و نقل وسایل و محموله های ضروری شده است.

پس از انقلاب، عوامل ضد انقلاب دیرلپهای راه آهن را به بهانه "نداشتن وسایل بدکی و غیر قابل تعمیر بودن به "گورستان" فرستادند و نامدتی باعث تعطیل قسمت حمل و نقل بار در راه آهن شدند. اما گویا چندین پستی تعدادی کارشناس هندی برای تعمیر دیرلپها به تهران آمدند و فرار شده است که دیرلپهای خراب مجدداً بکار بیافتند، بدون اینکه احتیاج به وسایل بدکی باشد. خوشبختانه تاکنون نیز ضدانقلاب مرمت و بکار

اخبار کارگری

روزی ۹۰۰ ریال مرد میگیرم. ماهی یکبار هم زن و فرزند نام راضی بینم. الان مدت دو هفته است که از آن خبری ندارم، چون خانواده ام در یکی از روستاهای کازرون زندگی میکنند."

این کارگر هم از گرانی فزاینده مواد غذایی در عذاب بود. چند نفر از کارگران گفتند:

" ما وقتی مریض می شویم، نمی توانیم به پزشک مراجعه کنیم، چون اگر یک روز کارمان را تعطیل کنیم، صاحب کارخانه کارگردیگری را بجای ما می آورد. در نتیجه کارمان را از دست می دهیم."

آنها اضافه کردند که:

" گرد حاصل از گچ که به دهان مانفوذ میکند، باعث مریض شدن ما میشود. چند بار تاکنون به صاحب کارخانه گفته ایم که ما را بیمه کند، ولی او در جواب ما گفته است که، هر وقت کارخانه های دیگری کارشان را بیمه کردند، ما هم شما را بیمه می کنیم."

یکی از کارگران گفت:

" ما که بیمه نیستیم، گرانی و بیزیت دکتر و خیر دکتر و دارو بگیریم. کارگران کارخانه گچ کازرون از مقامات مسئول می خواهند که به خواستهای آنها هر چه زودتر ترتیب - اثر داده شود، که عبارتند از:

- ۱- پاکسازی هوای آلوده موجود در کارخانه،
- ۲- بیمه کردن همه کارگران،
- ۳- افزایش دستمزد کارگران هنگام با افزایش قیمت ها.

با چه مجوزی صدها تن نخ وارد ایران می شود؟

بر طبق چه ضوابطی اقدام به صدور اجازه وارد کردن صدها تن نخ نموده است؟

و در حالی دیگر از همین نامه می نویسد:

" ما به کلیه مقامات مسئول هشدار می دهیم که آنچه در وزارت بازرگانی در جهت نابودی صنعت ریسندگی می گذرد، بفرودی اثر وحشتناک خود را خواهد نمود و متعاقب آن بیکاری و ورشکستگی این صنعت را در بر خواهد گرفت و ما کارگران، شما را مسئول این فاجعه می دانیم."

همچنین شورای اسلامی کارخانجات نساجی ایران در همین نامه خطاب به شورای اسلامی بانک مرکزی ایران می نویسد:

" جای بسی تأسف است که مقامات اطاق - بازرگانی نه تنها از کارگران زحمتکش ایران حمایت نکرده اند، بلکه با هزار تزییر راه را برای این - دلالتان باز نموده اند و تعقیب با ورود صدها تن نخ به ایران، کلیه زحمات کارگران ایران نقش بر آب شده و کارخانه ها رو به ورشکستگی قطعی خواهند رفت."

در صورت مجلس مورخه ۵۹/۴/۲۱ کمیته اجرائی گرد هم آیی شورای کارگران صنایع نساجی، اقداماتی که این کمیته انجام داده و باید انجام - دهد، منعکس شده است. همه این اقدامات نشانگر هوشیاری و آگاهی طبقه کارگر ایران در شرایط - کنونی است.

مشکلات کارگران معادن شن و ماسه سراوان

کارگران معدن شن و ماسه شاه عباسی سراوان، همراه با کار رستگین و طاقت - فرسا، مشکلات و کمبودهای فراوانی نیز دارند. این معدن در رژیم گذشته توسط تیمسار واحدی رئیس ساواک منحل و رشت اداره می شد و کارگران به شدیدترین وجه مورد استعمار قرار می گرفتند.

پس از انقلاب، استاننداری گیلان با عملی شایسته، دست به تشکیل کمیته بهره برداری از معادن شن و ماسه زد و از غارت معادن توسط سرمایه داران خصوصی جلوگیری کرد. معادن دیگر استان گیلان، از جمله معدن "باز قلعه سنگر" نیز زیر نظر کمیته قرار گرفت.

شرایط کار و زندگی کارگران این معادن نامناسب و مشکل است. کارگران روزانه ۱۱ ساعت کار می کنند، که ساعت ۱۲ آن به عنوان اضافه کار یا انجام می شود. در حقیقت کارگران برای تهیه جدا قیل و سبیل معیشت مجبورند ۳ ساعت از خدمت معمول بیشتر کار کنند.

به علت کار رستگین، احتمال وقوع حوادث ناگوار ناشی از کار همواره برای کارگران وجود دارد. اما با این حال کارگران بیمه نیستند و این در شرایطی است که کارگران حق بیمه دریا نیست می شود. تنها چند نفر از کارگران قدیمی باز قلعه بیمه هستند، که آنها نیز به علت نپرداختن حق بیمه توسط کارفرما عملاً امکان استفاده از بیمه را ندارند. در منطقه معادن هیچ گونه وسیله درمانی وجود ندارد. کارگران، که اغلب به همراه خانواده های خود در منطقه معادن زندگی می کنند و شرایط سختی را می گذرانند، هنگام بیماری خود یا اعضای خانواده شان، مجبورند مبلغ سنگینی از دستمزد ناچیزشان را برای درمان به پزشکان شهری بدهند.

دستمزد کارگران با وجود که رطافت فرسا ناچیز است و روزانه به ۷۰ تا ۸۰

کارگران می پرسند:

ورود صدها تن نخ به کشور ما، که به کمک - سیاست های استعمارگانه آمریکا از طریق کره جنوبی و دیگر کشورهای وابسته به امپریالیسم صورت میگیرد یکی از نمونه های بارز فعالیت های عناصر وابسته به امپریالیسم در کشورمان است.

کارگران بیدار و رزمنده میهنان، که با زوری پرتوان انقلاب رهایی بخش ما بودند و امروز مصمانه در صف اول مبارزه، صد امپریالیستی قرار دارند، از مسئولان ارفاطخانه می خواهند که در مورد ورود نا - موجه صدها تن نخ به کشور حواب قانع کننده ای بدهند.

در همین زمینه، شورای اسلامی کارگران - صنعت نساجی، در نامه اعتراض آمیزی به شماره ۲/۷۷۰ - ۵ مورخه ۵۹/۴/۲۱، به شورای اسلامی کارکنان وزارت بازرگانی می نویسد:

" ما صمیمانه از شما می خواهیم تا با افشای نام این وارد کنندگان و مقدار نخ اجازه داده شده، از این توطئه عظیم پرده برداشته و به کارگران کمک کنید تا به منظور شکست این طرح نکت بار کلیه - نخ های وارد شده را خود خریداری نموده، تا از ورشکستگی حتمی صنعت ریسندگی ایران جلوگیری نمایند."

شورای اسلامی کارگران صنعت نساجی در نامه ای دیگر وزیر بازرگانی را مخاطب قرار داده می نویسد:

" جناب آقای وزیر بازرگانی، وزارت بازرگانی

پاسخ مسئولین به خواستهای دهقانان

در پاسخ خواستهای دهقانان روستای گردش، که در یک گزارش روستایی با عنوان "در روستای گردش کارخانه شیمی ایجاد کنید" (نامه مردم شماره ۲۷۵ مورخ ۵۹/۴/۹) درج گردید، اخیراً "نامه‌های به شماره ۴۱۱۶-۵۹/۶/۱۵، از طرف اداره کل ارشد ملی استان مازندران و فتوکمی نامه جهادسازندگی شهرستان ساری به شماره ۵۳۴۱-۵۹/۶/۳ به دفتر نامه مردم" ارسال گردیده است، که در ذیل مطالب فتوکمی نامه درتجهادسازندگی ساری عیناً نقل می‌گردد:

"عطف نامه شماره ۳۷۱۳ در مورد شن‌ریزی ۵۹/۵/۲۹
جاده روستایی گردش به استحضار می‌رساند، در حال حاضر به علت عدم اعتبارات مالی وام‌گاتان راه‌سازی انجام این برنامه فعلاً مقدور نمی‌باشد."
نامه مردم- ضمن تشکر از توجه مقامات مسئول به خواست‌ها و مسائل دهقانان، باید در اینجا عطف به نامه جهادسازندگی ساری - مجدداً تأکید کنیم که تأمین بودجه کافی برای اقدامات عمرانی جهادسازندگی بدون شک ضروری و حیاتی است. جهادسازندگی، به عنوان یک نهاد انقلابی زودتولد خود تاکنون نشان داده است که نهادی است بیگانه، که براساسی و با صداقت و ایمان برای بازسازی و نوسازی روستاهای پر از فلاکت و محنت کشور می‌کوشد. ما از مقامات مسئول کشور می‌خواهیم که برای بقوت هر چه بیشتر این نهاد انقلابی و برای بازسازی و برپا نهادهای کشور، که نام روستاداران، اعتبار لازم، اختیارات کافی و وسائل ضروری در اختیار این نهاد قرار دهند. ایران انقلابی باید ایرانی نو و آباد شود.

بعدنیال درج یک خبر دهقانی در نامه "مردم"، شماره ۲۷۶، مورخ ۵۹/۴/۱۶، در مورد خواست‌ها و مسائل دهقانان کوجصفهان گیلان، نامه‌های اخیراً از اداره کل تعاون و امور روستاهای استان گیلان، به شماره ۹۴۶۰-۵۹/۶/۱۵، به دفتر نامه مردم "ارسال" گردیده، که در زیر نقل می‌شود:

"... در مورد خواست‌ها و مسائل روستاهای کوجصفهان گیلان مبنی بر دادن کود شیمیایی و سموم به کشاورزان به استحضار می‌رساند، که تأمین کود شیمیایی از طریق سازمان تعاون روستایی و شرکت پخش کود شیمیایی انجام می‌گیرد و سموم آن دسته از آفات و بیماری‌هایی که مبارزه با آن به عهده دولت است به موقع و به حد کافی در دسترس کشاورزان قرار گرفته و راهنمایی لازم در زمینه مبارزه با آفات و بیماری‌های گیاهی به عمل آمده است. در مورد بند ۱۱ و ۱۴ نیز به استحضار می‌رساند که پرداخت وام و خرید برنج کشاورزان از وظایف سازمان تعاون روستایی و بانک تعاون کشاورزی می‌باشد که مسلماً مقامات مسئول پاسخگو خواهند بود."

نامه مردم- ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول به خواست‌ها و مسائل دهقانان، امید است که کشاورزان زحمتکش از سموم دریاغنی استفاده کافی کرده باشند و در این کمک، به نقش شورای ده توحه لازم شود.

در پاسخ خواست‌های دهقانان مشکین شهر مبنی بر دریافت زمین و اجرای قانون اصلاحات ارضی، که در یک خبر دهقانی با عنوان "دهقانان زحمتکش مشکین شهر زمین می‌خواهند" در نامه مردم درج گردیده بود، نامه‌ای از طرف سرپرست فرمانداری مشکین شهر، با شماره ۴۲۲۷-۵۹/۶/۴، به دفتر نامه مردم "ارسال" گردیده است. این نامه در زیر عیناً نقل می‌شود:

"خواهشمند است مطلب زیر را در پاسخ منتهی تحت عنوان دهقانان زحمتکش مشکین شهر زمین می‌خواهند، در صفحه وستون مربوطه، که طی شماره ۲۵۷ مورخ ۵۹/۳/۲۴ بولتن وعده‌ها درج گردیده، ثبت نمایند."

دهقانان و زحمتکشان ارجمند مشکین شهر هیئت هفت نفره واگذاری زمین در مشکین شهر پیوسته در حال فعالیت بوده و پس از پایان تحقیقات در منطقه، عملاً نسبت به واگذاری زمین اقدام خواهند نمود.

نامه مردم- امیدواریم که هیئت نفری واگذاری زمین هر چه زودتر کار عملی واگذاری زمین را، همانطور که محبت الاسلام فاضل هرنیدی نیز وعده داده است، منجمله در روستاهای مشکین شهر آغاز کند و دهقانان را از بابت تکلیفی نجات دهد.

در نامه مردم شماره ۲۸۵ مورخ ۵۹/۴/۲۶ خواست‌های روستائیان سراب نیلوفر در یک خبر دهقانی درج گردید. در پی درج این خبر، نامه‌ای با شماره ۱۶-۵۹/۴/۱۶، از طرف استاندار استانداری کرمانشاهان، به دفتر نامه مردم "ارسال" گردیده، که عیناً در زیر نقل می‌شود:

"بارگشت به شماره ۲۸۵-۵۹/۴/۲۶، در مورد خواست‌های روستائیان سراب نیلوفر، تأمین برق روستای سراب نیلوفر جزء طرح‌های سال ۱۳۵۹ شرکت سهامی برق منطقه‌ای غرب می‌باشد. ضمناً اقدامات لازم در جهت تغییر مکان روستا به منظور جلوگیری از نفوذ سیل و تأمین آب آشامیدنی روستای مزبور به عمل آمده است."

نامه مردم- از توجه مقامات مسئول به خواست‌ها و مسائل دهقانان سراب نیلوفر و امیدواریم که روستائیان سراب نیلوفر با دریافت این پاسخ از نگرانی بیرون آیند. امیدواریم در تمام روستاهای کشور کلیه امکانات موجود بسیج شود و در زندگی سخت امروز دهقانان زحمتکش، تحولی جدی پدید آید.

هیئت های هفت نفری!

شرایط حاد کشور و لحظات بحرانی دشواری که بر جامعه می‌گذرد، ایجاب میکند که هر چه زودتر ریشه بزرگ مالکی، که یکی از پایگاههای مهم ضد-انقلاب و یکی از امیدهای امپریالیسم و ارتجاع است برچیده شود. فعالیت تبالود و دیوانوار فتودال ها و عمال آنها ایجاب میکند که هر چه زودتر بساط دزدی و ستم این غارتگران از بین برده شود و امکان تحریک و تشنج فریبی از آنها گرفته شود.

وضع اقتصادی کشور و نیاز به تولید هر چه بیشتر داخلی و ضرورت قطع وابستگی‌های ایران برآمده ایجاب میکند که اقتصاد سالم کشاورزی بر شالوده نظام نوین مالکیت دهقانی، فارغ از بهره کشی فتودالی و ستم خوانین بناگردد.

وضع زندگی میلیونها ایرانی هموطن ما، که مستضعفترین مستضعف‌های ایران هستند، ایجاب میکند که هر چه زودتر و فوری‌تر آنها را به حق مسلم خویش - زمین - و سپس مسائل کار و زندگی رسانند آنها را از زنجیر ظلم و محرومیت آزاد کند.

هر چه زودتر! هر چه زودتر! این حکم انقلاب ما و شرایط حاد کنونی است. در اجرای این حکم، هیئت‌های هفت نفری مأمور اجرای قانون اصلاحات ارضی و آئین‌نامه اجرائی آن، وظیفه‌های سنگین و مسئولیتی خطیر دارند. چشم‌ها، امیدها و آرزوهای توده‌های میلیونی متوجه آنهاست.

پس از انقلاب، بعلمت سیاست ضد مردمی و ضد انقلابی افرادی از نوع ایزدی‌ها، که بساط بزرگ مالکی را می‌پسندیدند و مخالف‌خواهی‌های روحانی‌نمایی که هیچ وجه مشترکی با اسلام راستین ندارند و مظهر امروزی معاویه‌ها و سلاطین اموی و صفوی و پهلوسوی هستند، موجب شد که نزدیک ۲۵ ماه بعد از پیروزی انقلاب، این مسئله هنوز حل نشده باقی ماند. در حالیکه حل شدن مسئله نه فقط موجب نارضایتی و دل‌سردی دهقانان می‌شود، که خود امری بسیار مهم است، بلکه زمین را زیر پای انقلاب سست میکند و بهانه و زمینه به دست ضدانقلاب میدهد.

مجلس "پیام انقلاب"، نشریه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در شماره ۱۹ شهریور خد می‌نویسد: "روزها گذشت و تبدیل به هفته‌ها شوهفته‌ها تبدیل به ماهها و ماهها یکی پس از دیگری گذشت، بدون اینکه تغییری در وضع روستائیان پدید آید. فتودالهایی که سالهای سال همچنان روی زمین‌های

دهقانان عزیز!

دست جنایتکار و تجاوزگر آمریکا این بار از استین صدام حسین، رئیس دولت بعثی عراق درآمده است. تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق علیه مین‌ما، علیه انقلاب بزرگ ما، چیزی نیست جز بخشی از توطئه‌های شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا. بگفته امام خمینی، رهبر انقلاب:

"ایران در حال جنگ است با آمریکا و این آلت دست آمریکا تجاوز کرده است به ایران." و طبقه مهابت است که از انقلاب، از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم. باید متحد و آماده باشیم تا آمریکا و رژیم بعثی عراق هیچ غلطی نتوانند بکنند. دهقانان زحمتکش!

برای مبارزه علیه تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق و برای مقابله با توطئه آمریکای خونخوار، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران به نهادهای انقلابی اعلام کنید!

خونسردی و متانت انقلابی خود را حفظ کنید! به شایعات دشمن باور نکنید! با شورا انقلابی همیشه آماده باشید! با پاسداران محل تماس بگیرید و هر فرمانی که سپاه پاسداران برای دفاع از انقلاب و مین انقلابی میدهد، اجرا کنید!

شیما بخش اعظم ارتش بیست میلیون راتشکیل میدهند. در همه جا، در همه جا، مستضعفین شرکت کنید و فعالانه دستورها و راهنمایی‌های بسیج را عملی سازید!

عوامل شدانقلاب و تفرقه افکن را در هر جا که هستند، شناسایی کنید و به نهادهای انقلابی اطلاع دهید! از خبرهایی که هنوز جمع‌آوری نشده، یا هنوز در انبارهای ده مانده، مراقبت کنید! از اداسها مواظبت کنید! برای چشمه‌ها و منابع آب و چاهها مایور بگذارید، تا ضدانقلاب به خرمن‌ها و منابع آب آشامیدنی شما خسارتی وارد نکند.

مواظب تحریکات و توطئه‌های اربابان و خوانین باشید. نقشه‌های آنها را فاش کنید! دهقانان ایران! در این لحظات حساس، همه جانبه و با اتحاد و هشیاری از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنید!

حاصلخیز بواسطه دیگران میکاشند و میدرویند (همچنان) با پول آن به عیش و نوش و توطئه بر علیه انقلاب اسلامی پرداختند. ولی در عین حال کشاورزان بی‌زمین، نه لیباسی برای پوشیدن داشته‌اند نه نان برای خوردن، نه قطعه زمینی را برای زراعت کردن، نه خبری بود که مایوران دولت که بیابند و زمین‌ها را از دست آنها بگیرند و بین مردم تقسیم کنند. آنها طوری فراموش شدند که اگر گاه و بیگاه بجه‌های جهادسازندگی، یا نهضت سواد آموزی یا سپاه پاسداران به آنجا سری نمی‌زدند، مردم آن مناطق فکرمیکردند که رژیم (جمهوری) عوض شده و طاغوت دوباره برگشته است.

به این وضع باید هر چه زودتر پایان داد. این همان مسئولیت خطیر هیئت هفت نفری است. چرا باید طوری شود که مردم فکرنکردن رژیم جمهوری اسلامی ایران عوض شده؟ مجلس پیام انقلاب به درستی ادامه وضع کنونی و تسلط اربابان را منافی با برکنش طاغوت دانسته است. چه عملی انقلابی‌تر، ضروری‌تر و فوری‌تر از اینکه به سلطه فتودال‌ها هر چه زودتر پایان داد؟ بی‌شک نیست که عبارت "هر چه زودتر" را اینهمه تکرار کنیم. کنش دادن موضوع و تأخیر در اجرای قانون، همان طاغوت بازی است، همان سیاست ایزدی‌ها و وعاط الملائکین است، زمینه ساز توطئه علیه انقلاب و موجب آنست که دهقان نه لباس داشته باشد، نه نان و نه زمین.

از تصویب قانون، نخست در اسفندماه ۵۸، و سپس با جرح و تعدیلهای در فروردین ۵۹ و تصویب آئین‌نامه اجرائی آن در اردیبهشت ماه، بازم ماهها گذشته است. کشت پاییز نزدیک است و توطئه‌های ضدانقلاب فوری و جدی است.

حجت الاسلام فاضل هرنیدی، نماینده حاکم شرع در ستاد واگذاری زمین، گفته است:

"هنوز هیئت‌های واگذاری در هیچ جای ایران زمین به کشتی واگذار نکرده، بلکه در این مدت به کار تحقیقاتی مشغول بوده‌اند که خوشبختانه باید به اطلاع برسانم که در خیلی از استانها تحقیق به اتمام رسیده و عنقریب ماتقسیم اراضی را شروع خواهیم کرد."

خواست کلیه دهقانان و همه انقلابیون آنست که این "عنقریب" هر چه زودتر به زمان حال تبدیل شود و مسئولت بزرگ هیئت‌های هفت نفری بسا



قهراب قاسمی، یا ۸۰ سال سن، هنوز برای از یاب کار می‌کند. ۱۵۰ تومان در ماه است. آری، فقط ۱۵۰ تومان در ازاء یک ماه جان‌کندن، او هم چشم انتظار هیئت هفت نفری است. (روستای گورگه - اردبیل)

تاطرد کامل بزرگ مالکی، توطئه علیه دهقانان ادامه دارد

روستای آق‌بلاغ، با ۳۵۰ نفر جمعیت، در ۵ کیلومتری شرق جاده سنج - دیواندره واقع است. مالک ده یکبار در زمان طاغوت، زاندارم‌ها را برای سرکوب مبارزات دهقانان به جان آنان انداخت، اما بعد از انقلاب، دهقانان متحد شدند و زمین‌ها را سرکوب زدند.

بعلمت نفوذ مالکان در روستا و ستمگری آنان و همچنین قتل یکی از روستائیان مبارز بنام محمد فتحی، که با همکاری فتودال‌های منطقه صورت گرفت در بهار سال ۱۳۵۸، در حدود ۱۵۰ نفر از دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین این روستا علیه این مالک خونخوار و دیگر مالکان، دعوت به یک اعتراض جمعی زدند. دهقانان می‌طلبند که دست مالک ده و دیگر بزرگ مالکان از روستا کوتاه شود و زمینهای بزرگ مالک میان دهقانان تقسیم گردد.

هیئت هفت نفری باید هر چه زودتر به انتظار دهقانان پایان دهد و بساط جور و ستم طاغوتی مالک را برچیند.

هر چه زودتر کار واگذاری اراضی را آغاز کنید!

موفقیت انجام بیدرد، نشریه پیام انقلاب به حق می‌نویسد:

"از حضورشان نفاضا داریم که تدریجاً کارهایشان سرعت عمل بیخشند و از اتلاف وقت و پنبه‌ها شدیداً جلوگیری کنند."

این نشریه بحق از دولت مردان جدید مطلبند که از ستاد واگذاری زمین اعلام حمایت کنند. گتار آترابه بهانه‌های ملفی اعلام نکنند، و مسائل در اختیارشان بگذارند. انجام این وظایف را از استان - داربها و فرمانداربها کتبا خواهند و در صورت عدم همکاری با هیئت‌ها، آنها را برکنار کنند (از فرمان - داری یاد میشود که هیئت را بیرون کرده و اجازه فعالیت نداده، فرمانداری که خودش فتودال بود و البته مخالف پیاده شدن طرح!)

آری، مسئله حیاتی و مهم است. حیاتی برای میلیونها دهقان زحمتکش و مبرم برای سرنوشت انقلاب. هر روز که دیر شود، به انقلاب و به امید میلیونها دهقان ضربه می‌خورد، به باس و بدبینی افزوده میشود. خوانین و اربابان جری‌تر و هارتر میشوند، و آنوقت کار به زد و خورد و خونریزی خواهد کشید. دهقانان مصرا نه حق خود را می‌طلبند و همه انقلابیون راستین جانبدار آنها هستند. برای شروع هر چه زودتر کار واگذاری زمینها به دهقانان تهیدست - این امر انقلابی، قانونی، حقه انسانی و شرعی - حاجت هیچ استخاره نیست. حال که مرحله تحقیق در خیلی از استانها به اتمام رسیده است، باید بلافاصله با تکیه بخود دهقانان، بسا باری جستن از نهادهای انقلابی مشغول نگارشد، هیئت هفت نفری باید هر چه زودتر زمینها را به صاحبان اصلی آنها - کسانی که کار میکنند و اراضی را بارور می‌سازند - واگذار کند. بطوریکه از ریشه و کاملاً بساط بزرگ مالکی برچیده شود. به قول حجت الاسلام هرنیدی: "دهقانان اکثریت طاع را تشکیل میدهند و میمتر از همه حق با آنهاست."

هیئت هفت نفری مسئول است هر چه زودتر دست باطل را کوتاه کند.

هیئت هفت نفری موظف است هر چه زودتر حق را به حق‌دار برساند.

بی هیچ تأخیر، بی هیچ اتلاف وقت، هر چه زودتر!

روستای سر جو، شهر تسان در انتظار ورود جهادسازندگی

روستای "سرجو" شهرستان، که در ۲۴ کیلومتری شمال غربی بهبهان قرار دارد، در زمره روستاهایی است که همچنان در انتظار جهادسازندگی به سر می‌برند. این روستا با جمعیتی قریب ۱۷۵۰ نفر به چهار منطقه سرجوشهر تسان، سرجوبالیای، سر - جو شهر عباس و قریه‌کاهی تقسیم می‌شود.

کمبود وسائل کشاورزی تولید محصول را در سطح پایینی نگاه داشته است. دهقانان می‌گویند: "اگر وسائل کشاورزی به اندازه کافی در اختیارمان باشد، می‌توانیم محصول بیشتری تولید کنیم، تا حدی که بشود مقداری از آن را صادر کرد. از دوایر دولتی که می‌توانند در امر کشاورزی به اهالی روستا مدد رسانند، شرکت تعاونی و اداره کشاورزی است. اما در این دو اداره کسانی می‌کشند بدهکاری‌های این روستائیان را که از دوره طاغوت باقی مانده است و دهقانان بنیه پرداخت آنرا ندارند، از آنها دریافت دارند. در شرایطی که گرانی بیداد می‌کند و قدرت خرید مردم تا حد وحشتناکی پائین آمده است، این عمل، کمر دهقانان را خرد می‌کند و موجب آوارگی می‌شود. دهقانان خواستار لغو بدهی‌های قبلی از سوی دولت و شالوده‌ریزی نظام جدید انقلابی برای تأمین وام هستند."

اهالی سرجوشهر تسان از هرگونه امکانات بهداشتی محروم هستند. آب آشامیدنی روستا از چشمه‌های متعددی است، که مجموعاً به آبگیر وسیعی تبدیل می‌شود و سپس جریان می‌یابد، ولی این آبگیر چشمه آب معدنی گوگرددار مخلوط گردیده، که سبب تغییراتی در ترکیب طعم و بوی آب آشامیدنی و باعث بروز انواع بیماری‌ها، مخصوصاً در میان کودکان می‌شود.

اهالی سرجوشهر تسان می‌گویند:

"اگر مسیر این چشمه را منحرف کنند، همه راحت خواهیم شد."

آنها از نداشتن درمانگاه رنج می‌برند و می‌گویند که واحد بهداشتی فقط هفته‌ای یکبار برای مداوای بیماران به روستا می‌آید. این مداوا نیز همه بیماران را شامل نمی‌شود. فقدان مدرسه راهنمایی و جاده مناسب از دیگر مشکلات اهالی سرجوشهر تسان است.

سرجوشهر تسان با صبر انقلابی در انتظار جهاد سازندگی است. ما توجه جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران را به روستای حرمان زده سرجوشهر تسان حلت می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم، تا با طاعت هر چه تمامتر، به نیازهای شروع اهالی این روستا پاسخ‌مساعد بدهند.

دهقانان! از اعضای متعدد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید

کس حال دیبر گل

بقیه از صفحه ۶

بذیرند . مشکل اصلی ، مشکل همبستگی طبقاتی است . سلب حق دیگران بهرور ، خواهد توانست سزای شخص امتیازات بلافاصله به همراه داشته باشد . هرچند این امر ، از نقطه نظر تاریخی ، مورد نفرت اکثر کارگران است . کسب امتیاز از طریق اعمال تبعیض نسبت به دیگران ، به مثابه سلب حق دیگران بهرور است . این عمل منافع تمام طبقه را قربانی می کند . آنچه ما بدان محتاجیم ، پایه گذاری سنت مبارزه علیه بهره برداری ناشی از اعمال تبعیض نژادی است ، که خود به اندازه سنت مبارزه علیه سلب حق دیگران بهرور ، نیرومند است . همانقدر که برای سفیدپوستان ضروری است تا زهر تبعیض نژادی را با همه مشخصاتش بشناسند و علیه آن بجنگند ، برای کسانی که تحت ستم نژادی و ملی هستند نیز به همان اندازه اهمیت دارد بدانند که متحدین بالقوه شان چه کسانی هستند ، دشمن کیست ، و آنچه که راه پیشرفت های بیشتر را در این لحظه سد می کند ، چیست ؟ در آغاز ، مسئله همبستگی بین سیاهان و سایر خلق های تحت ستم مطرح است . طبقه حاکمه فعالیت خستگی ناپذیر در جهت ایجاد تفرقه بین سیاهان ، چیکانوها ، پورتوریکی ها و غیره ... دارد . آنها علاوه بر سایر سلاح ها ، با دقت تمام از اختلافات موجود ، از نقطه نظر تاریخی و سنت ها استفاده می کنند . ولی علی رغم وجود چنین اختلافاتی ، همه ستمدیدگان در این کشور سرنوشت مشترکی دارند . تمام آن ها می گویند ما هم میسر می شویم ، خود را فراهم کنند و هم همه با ستگر مشترکا " مقابله کنند . در هر فرد ، غرور نسبت به گذشته اش طبیعی است . ولی نباید اجازه داد که این امر به خدمت ایجاد جدایی درآید . جمع تعداد سیاهان ، چیکانوها ، پورتوریکی ها ، بی ها ، سرخپوستان بومی آمریکا ، آسیایی های حوزه ایاقیانوس آرام و سایر خلق های تحت ستم ملی در ایالات متحده بالغ بر پنجاه میلیون نفر است ، یعنی در حدود یک چهارم کل جمعیت . این جمعیت در صورت اتحاد نیرومند و محکم بین خود خواهد توانست به صورت نیرویی عمده و قدرتمند در ایالات متحده درآید .

لیکن تنها اتحاد مستحکم در بین خلق های تحت ستم کافی نیست . اتحاد با سفیدپوستان و قبل از همه کارگران سفید امری است احتساب ناپذیر . این امر بخصوص در شرایط موجود واقعیت عینی بیشتری به خود می گیرد .

بیشرفت اساسی وضع اقتصادی خلق های تحت ستم ، پیشرفت امر بهبود بخشیدن به شرایط اقتصادی آنان در زمینه های : امکانات اشتغال ، دستمزدها ، مسکن و مزایای بهداشتی ، نیازمند گردن ۱۸۰ درجه تمام اولویتها در کشور است . این امر نیازمند تقویت فوق العاده بودجه نظامی ، تغییر سیاست خارجی در جهت مقابل و محدود کردن جدی سوده های انحصارات است . بدون این تغییرات ، هیچ گونه پیشرفت اقتصادی ممکن نخواهد بود .

احتیاج به ائتلاف وسیع ولی ایجاد جرخش در این سیاست هها ، کاری است که جز با ائتلاف وسیع اکثریت عظیم مردم انجام پذیر نیست . اصول چنین ائتلافی هم اکنون در شکل جنبی خود موجود است . آنچه لازم است ، وسعت بخشیدن و تقویت آن است . پایه های این ائتلاف در توسعه منافع متقابل ستکشان ملی و نژادی و کارگران به طور کلی است . تا از این طریق منافع مشترک منطبق بر هم راجستجو کنند .

طبقه حاکمه تضادها و مشخصات متضاد روابط راداس می زند . به منظور رفتن آثار تبعیض نژادی ، ضرور است تا گام های خاص در جهت اقدامات قاطع عملی ، و بخصوص در زمینه های استخدام و ارتقا برداشته شود . هنگامی که این امر انجام گیرد کارگران یک واحد خواهند توانست ، متحد شوند و برای قطع فشار ، که برای سرعت بیشتر در کنار برایشان اعمال می شود ، تقلیل ساعات کار و افزایش دستمزد مبارزه کنند .

میان طبقه کارگر ، از هر نژاد و ملیت ، منافع شخصی منطبق بر هم وجود دارد ، در حالی که ما بین بخش های استثمار شده جامعه و سرمایه های بزرگ تجاری تنها دشمنی آشتی ناپذیر پیاپی است .

درگیری با سرمایه های انحصاری کاربزرگی است ، لیکن هیچ گونه راه حل جنبی وجود ندارد . بدون جنگ متقابل ، متحد و همه جانبه علیه انحصارات هیچ راهی برای حل مسئله وجود ندارد . این امری است انجام پذیر و انجام خواهد گرفت . دقیقا به این علت که هیچ راه دیگری وجود ندارد . مردم کشور ما قصد دارند به جای خود بخشند و شاهد بدتر و بدتر شدن امور باشد . آنها می روند تا بیس اثری متحد شوند و بجنگند . و اتحاد ، در مرحله نخست و قبل از همه ، نیاز به اقدام برای مبارزه جدی علیه نژادپرستی و تبعیض ، هرچند و هر وقت که سر زشت خود را بلند کند ، خواهد داشت .

ترجمه از دیلی ورلد ۱۰ آوریل ۱۹۸۰

**تأمین کار برای کارگران
بیکار، یکی از نخستین وظایف
دولت انقلاب است**

«اوپک» قدرت حیات دارد و باید به سنگری جدی جهت دفاع از منافع کشورهای نفت خیز بدل شود

بست قرار دهد .

کنفرانس وزرای نفت و دارائی کشورهای عضو "اوپک" دروین ، گذشته از آن که به اتخاذ تصمیم کاهش ۱۰ درصد میزان تولید روزانه نفت در کشور های صادرکننده نفت نائل شد و علاوه بر آن که سرسخت ترین دولت عضو "اوپک" در دفاع علنی و آشکار از مواضع امیرالایسم ، یعنی عربستان سعودی ، راه قبول افزایش قیمت های پایه و ادا کرد ، در مورد استراتژی درازمدت اوپک در تعیین قیمت های نفت ، در کمک به کشورهای در حال رشد مصرف کننده نفت ، در طرح جلوگیری از معامله و صدور نفت به اسرائیل و افزایش جنوبی و همچنین تقویت بانک "اوپک" برای کفایت کشورهای عقب مانده ، پیروز از صحنه خارج شد . اتخاذ تصمیمات لازم درباره مسائل اخیر به اجلاس های بعدی "اوپک" موکول شده است ، اما بنا بر این همه ، این موفقیت بزرگی است که اجلاس "اوپک" نظریه منا قراردادان نرخ تورم در کشورهای غربی را برای قیمت گذاری نفت در آینده رد کرد و عملا نظریه ایران ، الجزایر و لیبی را پذیرفت ، که معتقدند در افزایش قیمت نفت در آینده ، باید نرخ تورم را که دول امیرالیستی به کشورهای نفت خیز تحمیل می کنند ، مورد استفاده قرارداد داد . پیشنهاد های کشورهای اخیر همچنین در مورد این که ، افزایش قیمت نفت از اواخر به بعد از کشورهای در حال رشد مصرف کننده اخذ شود و یا به خود آنها برگردانده شود ، صندوق "اوپک" تعهدات وسیع تر را در کمک به کشورهای اخیر به عهده گیرد ، در مرکز مباحثات "اوپک" در وین قرار گرفت . همچنین پیشنهاد بایکوت اسرائیل و افزایش جنوبی ، ولو به اگراه ، عملا از جانب ۱۲ عضو از ۱۳ عضو "اوپک" پذیرفته شد ، که قطن نامه های آن در کنفرانس آینده صادر خواهد گردید .

آنچه که درباره پیروزی های اجلاس به حدیث "اوپک" گفتیم ، البته آن موفقیت های هستند که می توان از "اوپک" انتظار داشت . ملل کشورهای نفت خیز در حال رشد به درستی از سازمان کشورهای صادرکننده نفت انتظار دارند که ، این سازمان به حربه موثر مبارزه ضد امیرالیستی ، بویژه مبارزه علیه تسلط کارتل بین المللی و اعضا غارتگر امریکایی و انگلیسی آن بدل شود و "اوپک" ناقوس مبارک امتیازات نفتی را در همه جهان سوم به صدا درآورد . اجلاس اخیر "اوپک" حامل چنین موفقیت هایی نبود ، اما نمی توان گفت که آن اجلاس "اوپک" در حالی که بر رگبار انواع فشارهای محافل امیرالیستی و انحصارات نفتی و رژیم های دست نشانده قرار داشت ، معذالک در برابر چنین گردباد امیرالیستی و ارتجاعی سرخم نکرد و حتی به اتخاذ تصمیماتی که برنامه های دول امیرالیستی و انحصارات غارتگر نفتی را خنثی می کند ، موفق گردید . چنین مقاومت موثر و کارساز در "اوپک" علیه توطئه های امیرالیستی و رژیم های ارتجاعی ، نشانگر امکانات عظیم این سازمان در مبارزه به خاطر رهایی همه کشورهای نفت خیز از زیر ظلم ، غارت و استثمار وحشیانه امیرالیستی است . به نتایج کنفرانس اخیر "اوپک" در وین باید از این دیدگاه نگریست . بویژه بر دولت انقلابی ما در جمهوری اسلامی است که به کوشش های خود در جهت تحکیم و پیروزی مثنی فاطم مبارزه ضد امیرالیستی و مبارزه سرنوشت ساز علیه کارتل بین المللی و انحصارات غارتگر نفت در "اوپک" بفرزاید .

این امر که "اوپک" - سازمان کشورهای صادر کننده نفت - اکنون در معرض تندبادهای امیرالیستی و رژیم های ارتجاعی وابسته به آن قرار گرفته ، حادثه ای کاملا طبیعی و قانونمند است . امیرالیسم و رژیم های دست نشانده در کشورهای نفت خیز در حال رشد ، به ویژه از زمانی که انقلاب ضد امیرالیستی و خلقی مردم ایران پیروز شده و تناسب جدیدی از قوا را به سود تأمین منافع واقعی کشورهای نفت خیز بوجود آورده ، "اوپک" را در معرض طوفانی از تهاجمات آشکار و پنهان سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی و حتی نظامی قرار داده اند . هدف این طوفان از یاد آوردن درخت ۲۰ ساله ای است که چون خاری بزرگ در چشم غارتگران نفتی فرورفته و بیش از پیش حلقوم آنان را ، که همان انحصارات غارتگر امیرالیستی باشد ، می فشارد .

تندبادهای محافل امیرالیستی و رژیم های دست نشانده آن علیه موجودیت "اوپک" در زمان های اخیر ، بیش از هر وقت دیگر در طول عمر ۲۰ ساله سازمان کشورهای صادرکننده نفت ، دامنه شده می شود . این تندبادهای ناآشنا شدید و خارق العاده است که هم اکنون جنگ فرسایشی رژیم مزدور عربی عراق را علیه ایران ایجاد نموده و آتش را که مورد نظر محافل امیرالیستی بویژه امیرالیست های امریکاست ، برافروخته است . بدون شبهه شرح تهاجمات نظامی رژیم مزدور عربی عراق علیه ایران در دست محافل امیرالیستی مدافع کارتل بین المللی بویژه امریکا است که می خواهند با نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گلیم غارت بی امان منافع نفتی خود را در منطقه از آب بیرون کشند و سلطه امیرالیستی را ، که تا همین گذشته نزدیک با ربحا بود ، دوباره بر کشورهای نفت خیز در حال رشد مسلط سازند .

اگرچنین در این شرایط امیرالیسم غارتگر موفق به اجرای نقشه های شیطانی خود نمی شود و مثلا کنفرانس "اوپک" تندباد عظیمی را علیه خود از سر می گذراند و موجودیت خود را حفظ می کند و حتی به اتخاذ تصمیمات به هر حال مشروط دسته جمعی مبادرت می ورزد ، دلیل آن را باید در آن دانست که "اوپک" ، به عنوان حربه کشورهای نفت خیز در حال رشد در برابر غارت انحصارات و دول امیرالیستی حق حیات دارد . این سازمان می تواند و باید به سنگری جدی در رهایی همه کشورهای نفت خیز از سلطه امیرالیسم ، کارتل بین المللی و انحصارات غارتگر ، از هر قماش ، تبدیل گردد .

در شرایط ایجاد محیط شفاف و دودستگویی در بین کشورهای نفت خیز عضو اوپک و حتی ایجاد و دامن زدن جنگ بین دو عضو اساسی اوپک - عراق و ایران - امید محافل امیرالیستی از هم باشدیدی و تلاشی کامل "اوپک" بود . اگر حتی در این شرایط ، اجلاس اخیر وزرای اوپک توانست به اتخاذ تصمیم درباره کاهش ۱۰ درصد از تولیدات روزانه که بطور عمده شامل عربستان سعودی و عراق می شود ، و افزایش قیمت پایه از ۲۸ دلار به ۳۴ دلار در هر بشکه (که باید از جانب دولت عربستان سعودی رعایت گردد) موفق شود ، این پیروزی نسبی بسیار جالب توجهی برای اوپک است . این پیروزی بیانگر آن است که تناسب درونی در "اوپک" آنچنان به سود نیروهای ضد امیرالیستی و ضد کارتل تغییر یافته ، که "اوپک" قادر است از سهمین ترین مخاطرات خان سالم بدر برود و حتی امیرالیسم و رژیم های دست نشانده آن را در بین -

چگونه «سیا» برای «آزادی» افغانستان مبارزه می کند

جیمی کارتر جندی پیشینه نخست وزیر جسن گفته بود که وی جوانان افغانستانی آزاد ، بریاز دخالت خارجی " است . اگر وی به راستی در این گفته صادق بود ، حل سیاسی "مسئله افغانستان" چنان دشوار نمی نمود . مگر نماینده دولت افغانستان در پیشنهاد های ۲۵ اردیبهشت خود ، از همین دولت آمریکا خواست که از "فعالیت های مفسد و جویانه علیه افغانستان ، از جمله از سرزمین کشور های دیگر ، دست بردارد ؟"

ولی شواهد گویاگون نشان می دهد که ، به خلاف گفته های "آزادی خواهان" و "استقلال طلبان" جیمی کارتر ، عوامل سازمان "سیا" ، نه تنها در پاکستان باندهای ضد انقلابی را برای عملیات خرابکارانه در افغانستان تعلیم می دهند ، بلکه حتی در خود خاک افغانستان به شرارت می پردازند . ما در زیر به گواهی چند شاهد بسنده می کنیم :

شاهد ۱ : نمایندگان پارلمان آمریکا در ۲۴ خرداد امسال تلویزیون "سی بی بی ای" آمریکا برنامه ای درباره عملیات مخفیانه جدید "سیا" پخش کرد . در این برنامه ، بویژه به نقش خرابکارانه "سیا" در افغانستان و ایران اشاره شد . لی آسپین ، نماینده کنگره و رئیس کمیسیون جاسوسی مجلس نمایندگان ایالات متحده ، و جوزف پلیدن ، عضو کمیسیون جاسوسی سنا ، که در این برنامه شرکت داشتند ، صحت گزارش های نامبرده را تأیید کردند .

شاهد ۲ : دولت آمریکا یکی از مقامات بلند پایه واشنگتن در برابر خرابکاران رسماً "اعتراف کرد که ، ایالات متحده آمریکا از باندهای ضد انقلابی علیه حکومت افغانستان استفاده می جوید ، وی گفت :

" ما می کوشیم به هر طریق به آنها کمک کنیم . من در اینجا از تشریح همه این طرق معذورم ."

شاهد ۳ : خبرنگار "ای بی بی ان" ، بورویک فرستاده خبرگزاری "ای بی بی ان" ، اوائل سال جاری از کابل خبر داد که ، نزد عناصر ضد انقلابی نارنجک های سیمیایی پیدا شده است ، که محتوی مواد "سی بی بی" هستند . این نارنجک ها ارگان های سیاسی و دستگاه نفیسی را برای مدتی فلج می کنند و حتی ممکن است که به هلاکت طرف متجسس شوند . بورویک ، در گزارشی برای روزنامه "اوتسره تسایت" (آلمان فرال) نوشت :

" من این نارنجک ها را به چشم خود دیدم . روی این نارنجک ها ، کالان در کابل هم هست ، موری است ، که نزدیدی درباره منبع آنها باقی نمی گذارد ؛ سی - اس ۵۱۷ ، ساخت کارلزیبرگ ، پنیسلوانیا ، ۱۵۶۸۱ ، ایالات متحده آمریکا ."

شاهد ۴ : ضیا الدین ، عامل "سیا" چند روز پیش از عید نوروز شخصی به نام ضیا - الدین ، نعمه صر ، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل اعتراف کرد که "سیا" او را به افغانستان فرستاده بود ، تا به جاسوسی و دیگر عملیات خرابکارانه بپردازد . وی ، که به جنگ مقامات امنیتی افغانستان افتاده بود ، گزارش داد که ، پنج ماه پیش از شروع ماموریتش او را از راه های مخفی به آلمان غربی بردند و در مدرسه ای ویژه ، از جمله در رشته های عکاسی ، اسلحه شناسی و مواد انفجاری ، تعلیم دادند .

شاهد ۵ : رابرت لی ، عامل "سیا" یکی دیگر از عوامل "سیا" ، به نام رابرت لسی ، که در افغانستان دستگیر شد ، اواسط زمستان سال

شوخی نیست ۰۰۰!

ماهواره جدید خاصیت خرگوش دارد

خواننده مازوقی به ما می نویسد ، " پس از خواندن خبری که روزنامه "کبهان" (در شماره ۲۳ شهریور ۱۳۵۹) درباره پرواز ماهواره شوروی " برای جاسوسی " بر فراز خاک ایران و " تیراندازی پاسداران " و " گریختن (ماهواره) به خاک شوروی " منتشر کرده بود ، من به یک کارشناس امور ماهواره ای " مراجعه کرده و تقاضای تفسیر این خبر را از او نمودم .

" کارشناس امور ماهواره ای " پس از کمی تامل تفسیر خبر را چنین آغاز کرد :

مرحوم ابوی نقل می کرد از دروغ گوئی که با دروغهای آشکارش مردم را به تنگ آورده بود . از جمله روزی می گفت : فلان السلطنه تهرانی آنقدر سخاوتمند است و سفره های مهمانی چنان وسیعی می گستراند که در هر صیافت نهار ، هفتاد و هفت بوط (هر بوط ۱۶ کیلوگرم) فقط نیک مصرف می شود و قسم می خورد که خودش در بسیاری از این مهمانی ها شرکت کرده است .

یکی از حضار ، که دیگر طاقت شنیدن دروغ های او را نداشت ، به خیال متوجه کردن او به فتح دروغ ، تصمیم گرفت که او هم یک دروغ شاخدار برای وی بگوید و گفت :

روزی من در همین شهر خودمان یک خیار کاشتم . خیار سبز شد و از زمین بیرون آمد و از بونه آن دو شاخه دیدار گشت . یک شاخه روبه جنوب روئید و به سوی همدان جلو رفت و از آن جا به طرف کرمانشاه متمایل گشت و از مرز خسروی گذشت و روبه صحرای عربستان نهاد ، و شاخه دیگر به طرف شمال روئید و آمد رسید به جاده تهران - تبریز و سرش را به راست کج کرد و روبه تهران رفت . وقت ... دروغ گوئی " نکلی " ، که از حرکت قهارانه بونه خیار منحصر مانده و بیچاره شده بود ، فریاد کشید و گفت : ای مرد حیا کن! بونه خیار به این درازی نمی شود!

رقیبش گفت : اگر مقدار نمک را تخفیف ندهی ، بونه خیار تا " سبزی میدان " تهران خواهد رفت .

شخص نالشی که گفتگوی آنها را گوش می کرد ، در میان صحبت دودید و خطاب به " دروغ گوئی " نامح گفت : بیبوهه خودت را خسته کن . من این آدم را می شناسم . اگر بونه خیار را به حین و ماجن هم ببری ، او از نمک یک مثقال کسر نخواهد کرد . دروغ در رکش جریان دارد .

" کارشناس امور ماهواره ای " پس از نقل این داستان سکوت کرد . می گفت : داستان شما کجوه ناظر بر مطلب است ، ولی این که تفسیر خبر بسند کارشناسی ، که به سؤال من به یادش آمد ، این بار به خود تفسیر پرداخت گفت .

به نظر من مسئله از دو حال خارج نیست : یا آن " ماهواره ای " که خبرنگار " کبهان " از رشت خبر داده ، بجهه مرغی بوده ، که به تاریکی پروان در آورده و از مرزاد انزلی به بیروز در آمده ، و با این که پاسداری " که به این " ماهواره " تیراندازی کرده و تیرش سینه هزار متر به پاسمان رفته و " ماهواره " را مجبور به " گریختن " به شوروی کرده ، به عوض تنگ ، " موشک قاره پیما " بردوش داشته .

و اما جالب تر از این ، مسئله " گریختن " است . معلوم می شود " روسها " ماهواره جدیدی اختراع کرده اند ، که خاصیت خرگوش دارد . دروغ اثری ، در خالی که با سرعت ده کیلومتر در ثانیه پیش می رود ، هر جا خطری حس کرد ، فوراً هر چهارپایش را محکم به هوا می جساند ، یعنی ترمز می کند ، و بعد با تغییر جهتی در حدود ۱۸۰ درجه و با همان سرعت ، به جایی " می گریزد " که از آنجا آمده بود

به هر حال ، باید در انتظار " اکتشافات " جدید گردانندگان " کبهان " و امثالهم درباره " اختراعات " جدید روسها " بود .

بیش اعتراف کرد ، که سه بار به آن کشور آمده بود . تاریخ اقامت او در افغانستان همیشه با دوران افزایش تشنج در کابل مطابقت می کرد . لی افزود که کارشناسان و نمایندگان رسمی ایالات متحده در شهر پشاور پاکستان اقامت دارند و در آموزش عوامل ضد انقلابی شرکت می کنند . لی گفت ، پس از آن که باندهای ضد انقلابی با سلاح هایی که روی آنها " ساخت ایالات متحده آمریکا " نوشته شده بود ، لو رفتند ، اکنون روی این سلاح ها نام کشورهای دیگری ذکر می گردد .

شاهد ۶ : " کائوتزاسپای " به نوشته " کائوتزاسپای " ، که در واشنگتن منتشر می شود درباره فعالیت های " سیا " در سراسر جهان گزارش می دهد ، یک کمادوی " سیا " به رهبری رابرت بی . لاسارد ، یک سال پیش از درخواست کمک نظامی دولت افغانستان از اتحاد شوروی ، در کشور همسایه به تدارک و اجرای عملیات ضد انقلابی اشتغال داشته است .

شاهد ۷ : " واشنگتن پست " اواسط زمستان سال ۱۳۵۸ ، روزنامه " واشنگتن پست " نوشت که " سیا " برای مخفی نگه داشتن جزئیات و وسعت عملیات " خود " ، سلاح های سبک و ضد تانک " ساخت کشورهای غیر آمریکایی از جمله شوروی - را به افغانستان فرستاده است .

سفیر شوروی در ایران، در مراسم روز ملی شوروی در نمایشگاه بین‌المللی گفت: اتحاد شوروی آماده گسترش روابط اقتصادی و تجاری برابر با ایران است

امپریالیسم بین‌المللی در تلاش محاصره اقتصادی ایران است، لیکن ایران دوستان زیادی دارد. ما اطمینان داریم که کلیه مساعی دشمنان جمهوری اسلامی ایران با شکست روبرو خواهد شد.

معاون وزارت بازرگانی ایران: امیدوارم شرکت وسیع شوروی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی گام مثبت دیگری در جهت افزایش مبادلات بازرگانی بین دو کشور و انگیزه خوبی برای توسعه همکاریهای اقتصادی بر اساس منافع متقابل باشد.

روز ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پنجشنبه ۳ مهرماه ۱۳۵۹، در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران با حضور سفیر این کشور در جمهوری اسلامی ایران و تعدادی از سفیران خارجی مقیم ایران و مسئولین غرفه‌های شرکت‌کننده در محل نمایشگاه برگزار شد.

پس از پخش سرود دو کشور ایران و شوروی و برافراختن پرچم دو کشور، سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری اسلامی ایران، ضمن اظهار خوشوقتی از شرکت در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران، دربارهٔ چگونگی مبادلات تجاری میان ایران و شوروی و گسترش روابط اقتصادی، سخنانی ایراد کرد.

وی از جمله گفت: «روابط اقتصادی کشورهای ما دارای گذشتهٔ پربسیاقه‌ایست. خود همسایگی خلقی ما، نفع مبادلات اقتصادی بین دو کشور ما را تصریح میکند. علاوه بر این، بازرگانان ایرانی از دیرباز از خاک کشور ما بعنوان کوتاهترین و مطمئن‌ترین راه ارتباط با کشورهای اروپایی استفاده میکرده‌اند.

روابط تجاری و اقتصادی، اگر براساس اصول برابری طرفین و سود متقابل استوار باشد، اهمیت سرنوشتی در زندگی ملت‌ها دارند، زیرا به‌سبب توسعه اقتصاد کشورها کمک میکنند و روابط دوستانهٔ بین آنها را استحکام میبخشند. مخصوصاً به‌عین علت رعایت کامل و اکید اصول مزبور، یعنی اصل برابری طرفین و سود متقابل، همواره جنبه مشخصه روابط اقتصادی و تجاری شوروی و ایران بوده و هست.

کشور ما بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی آکتیو، یعنی در مدت بیش از ۶۰ سال از پیشرفت و ترقی خود، تبدیل به کشور صنعتی پیشرفته‌ای، با سطح عالی فرهنگ شده است و به‌عین جهت امکانات ما برای بسط و توسعه روابط اقتصادی و سایر روابط با دیگر کشورها مبرم‌افزایش یافته است. در کشور شما، با کلاهکیه بطور سنتی از اتحاد شوروی صادر میشوند، یعنی با چنان کالاهایی مانند چوب و سیان و فلزات و محصولات شیمیایی و مواد رنگ‌کننده و کودها، بخوبی آشنائی دارند. در کشور شما دستگاههای کثیر تراش-فلزات و لوازم آرسنای و کمپاین‌های برداشت غله و لوازم ماشین‌آلات انرژی و صنایع ذوب آهن، که در اتحاد شوروی ساخته شده‌اند، مورد استفاده هستند. در اینجا موتورسیکلت‌های ساخت شوروی، لوزام و ادوات مختلف و بسیاری از کالاهای دیگر بخوبی معرفی شده‌اند. همگان با تفحص عمده‌ای که کار مجتمع ذوب آهن اصفهان در اقتصاد ایران دارد، و با همکاری فنی اتحاد شوروی ساخته شده و اولین مخلوق صنایع سنگین کشور شماست، آشنا هستند. موفقیه شما در داخل کشور مسافرت میکنند، بدون شک سیلوهایی زیادی را می‌بینید، که اکثر آنها با کمک اتحاد شوروی ساخته شده‌اند.

مایلم بطور خاص خاطر نشان سازم که، اتحاد شوروی عمده‌ترین خریدار کالاهای سنتی مختلف ایران، از جمله خریدار عمده فرآورده‌های صنایع ایران است. این امر بدون شک به تحکیم و توسعه مساعی ایران کمک میکند.

بدین ترتیب اجمالاً میگویم که همکاری اقتصادی و تجاری اتحاد شوروی و ایران، در حالیکه برای هر دو طرف سود متقابل باارمان می‌آورد، به تحکیم استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز کمک میکند. در کشور ما بخوبی به این گرایشهای ایران توجه و داند، و در این گرایشها سهیم هستند. فکر میکنم که بفع هر دو کشور است که در آینده نیز در همین راه پیش بروند. موافقتنامه اقتصادی که چندی پیش منعقد گردید و همچنین موافقتنامه‌های جدیدی، که بدون شک در آینده منعقد خواهند شد، به این هدف کمک و مساعدت میکنند.

اکنون امپریالیسم بین‌المللی در تلاش محاصره اقتصادی ایران است و سعی دارد اراده خود را به کشور شما تحمیل کند. لیکن ایران دوستان زیادی دارد. در کشورهای دیگر نیز شخصیت‌هایی هستند که طرز فکر سلی دارند، و ما اطمینان داریم که کلیه مساعی دشمنان جمهوری اسلامی ایران با شکست روبرو خواهند شد.

البته غرقه اتحاد شوروی در نمایشگاه بازرگانی تهران، که ما از شما دعوت میکنیم از آن دیدن فرمائید، نمیتواند تمامی امکانات کشور ما را در دهنتان مجسم کند. غرقه مزبور برای اینکار به اندازه کوچک است، گرچه بزرگترین غرقه نمایشگاه است. ما حاضریم بطور عملی مسائل مربوط به مناسبات بازرگانی‌مان را مورد بحث و مذاکره قرار دهیم. برای این منظور ای. گرشین، معاون وزیر بازرگانی اتحاد شوروی، وارد ایران گردیده

مورد نیاز مکانیزاسیون کامل امور کشت و برداشت محصول پنبه را تولید میکند.

بسط و توسعه صنایع شیمی و صنایع ماشین‌آلات کشاورزی و بطور کلی صنعتی کردن جمهوری آذربایجان بخشی در تمام کشاورزی بجا گذاشت.

در جمهوری ما ۴۱ موسسه علمی کشاورزی، از جمله ۴ آموزشگاه عالی دایر هستند. دانشمندان ازبکستان بهترین انواع پنبهٔ جهان را پرورش داده‌اند. ازبکستان پایگاه اصلی تولید پنبه در کشور است. در سال ۱۹۷۹، ۵ میلیون و ۷۶۰ هزار تن یا ۶۳ درصد پنبه تولیدی اتحاد شوروی، در ازبکستان برداشت شد. از این مقدار ۳ میلیون و ۹۹۲ هزار تن، یعنی ۶۰ درصد تمام پنبه قدارک شده با وسایل ماشینی برداشت شد. جمهوری ما بیش از نصف پنبه‌های گرم ابریشم تولیدی در اتحاد شوروی را تامین میکند. در سال ۱۹۸۰ ابریشم‌کاران جمهوری ۳۰۳ هزار تن پنبه گرم ابریشم به دولت فروختند.

در ازبکستان نباتات غله‌ای، یعنی گندم و برنج و ذرت و نباتات دیگر نیز تولید میشود. تولید غله به ۳ میلیون تن از جمله تولید ذرت به ۱۳ میلیون و تولید برنج به ۵۰۰ هزار تن رسیده است.

ازبکستان صد درصد کف تولیدی اتحاد شوروی را تولید میکند.

جمهوری ما ۸۰ درصد کشتش تولیدی اتحاد شوروی را تامین میکند.

در دورهٔ حکومت شوروی، ساختمان تاسیسات آبیاری دامنه واقعا بیسابقه‌ای کسب کرده است. آغاز کارهای بزرگ مربوط به اقتصاد آب، براساس کاملاً جدید اجتماعی و اقتصادی، بر اثر صدور فرمان تاریخی مورخ ۱۷ ماه مه سال ۱۹۱۸ دولت شوروی، که با مقصود و ای. نین رسیده «برای راه اختصاصی ۵۰ میلیون روبل برای امور آبیاری در ترکستان و درباره سازمان دادن امور مزبور» عملی گردید. در نتیجه اقدامات مزبور ۱۶۵ هزار هکتار اراضی جدید در «دشت گرسنه» آباد و آبیاری شد.

در حال حاضر سازمانهای علمی تحقیقی و برنامه‌ریزی در زمینه انتقال آب رودخانه‌های سیبری به جنوب کشور فعالیت میکنند. کدالی که برای این منظور ساخته خواهد شد، بصورت رودخانه مصنوعی خاصی به طول ۳ هزار کیلومتر و عرض ۳۵۰ الی ۴۰۰ متر و بعمق ۱۲ تا ۱۵ متر خواهد بود. یک چنین ساختمانی در امور ساختمان تاسیسات آبی جهان واقعا بیسابقه است. رود مزبور در واقع دومین جیحون آسیای میانه خواهد بود.

ترقی و پیشرفت آموزش در جمهوری ازبکستان یکی از صفحات برجسته تاریخ فرهنگ ازبکستان شوروی است که در آن، تا قبل از انقلاب، ۹۸ درصد سکنه بکلی بیسواد بودند. در حال حاضر ازبکستان، علیرغم پیشگوییهای «جامعه‌شناسان» و سیاستمداران غربی، که اظهار میداشتند ریشه‌کنی بیسوادی در ترکستان قریباً طول خواهد کشید، مبدل به ناحیه‌ای شده است که همهٔ مردم آن پاسواد هستند. در ۱۹۵۸ دبیرستان جمهوری، ۳۸۷۵۸۸ هزار دانش‌آموز مشغول تحصیل هستند. در جمهوری ۴۷۶ آموزشگاه حرفه‌ای فنی دایر است، که ۲۱۱ هزار نفر در رشته‌های مختلف فنی در این آموزشگاهها به کسب علم اشتغال دارند.

دانشگاه دولتی، که در سال ۱۹۲۰ پیرو فرمان و. ای. لنین در شهر تاشکند تاسیس شد، اولین آموزشگاه عالی آسیای میانه بود. اکنون در جمهوری ازبکستان ۳ دانشگاه و ۴۲ آموزشگاه عالی وجود دارد، که در آنها ۲۷۰ هزار دانشجو مشغول تحصیل هستند.

آخرین سخنران این مراسم، آقای قاضی، معاون وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران بود. او از جمله گفت:

است.

مایلم بطور خاص خاطر نشان سازم که قسمتی از غرقه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را نمایشگاه جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان تشکیل می‌دهد، که یکی از ۱۵ جمهوری برابر حقوق کشور است، جمهوری که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را تشکیل داده‌اند.

برای شرکت در این نمایشگاه بازرگانی، هیئت نمایندگی دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان بریاست آقای آشور علی‌یف، معاون رئیس شورای وزیران ازبکستان، به تهران آمده است. امیدواریم که شرکت اتحاد شوروی در نمایشگاه بین‌المللی تهران به بسط و توسعه روابط متقابل مفید اقتصادی و تجاری بین دو کشور کمک و مساعدت خواهد کرد و همچنین به تماشای چنان اجازه خواهد داد، تا حدی با زندگی کشور همسایه و دوست جمهوری اسلامی ایران آشنا شوند. همه اینها بفع تحکیم دوستی بین خلقهای دو کشور ما خواهد بود.

ل. ای. بزوف، مدیر هیئت‌رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در پیام خود به حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، ابراز امیدواری کرد که:

«روابط بین دو کشور ما در آینده نیز براساس اصول دوستی و حسن همجواری و برابری و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر پدیداری خواهد شد و بسط و توسعه بدی این روابط براساس مذکور به امر صلح و امنیت بین‌المللی خدمت خواهد کرد».

همهٔ مردم شوروی کاملاً با این اظهارات همصدا هستند. ما برای ملت ایران، که همسایه ما است، احترام زیادی قائل هستیم. گرایش آن را به زندگی بهتر و حصول استقلال واقعی درک میکنیم و آرزو مند پیروزی آن هستیم.

در خاتمه مایلم از دولت ایران و سایر سازمان‌هایی که به شرکت اتحاد شوروی در نمایشگاه بازرگانی بذل مساعدت کرده‌اند، سپاسگزاری نمایم و موفقیت پرگرای نمایشگاه را آرزو کنم.

سخنران بعدی آقای آشور علی‌یف، معاون رئیس شورای وزیران جمهوری ازبکستان بود. او از جمله گفت: «صنایع چندین رشته‌ای نقش عمده‌ای در اقتصاد ازبکستان ایفا میکنند. بیش از ۲۵۰۰۰ موسسه صنعتی سرگرم تولید فولاد و هوابیما و تراکتور و ماشین‌آلات مخصوص جمع‌آوری محصول پنبه و دستگاههای نساجی و ترانسفورماتور نیرو و کابل‌های مختلف و لوزام و تجهیزات پیچیدهٔ صنایع شیمی و صنایع تصفیه پنبه و صنعت نساجی و لوازم الکترونیکی منحصراً بفره هستند. سطح عالی فعلی صنایع ما نتیجه آنستکه دولت شری، از نخستین روز موجودیت خود، شرایط مادی و اجتماعی لازم را جهت پیشرفت و ترقی اقتصادی و فرهنگی همجانبه کلیه ملل و اقوام کشور فراهم کرد. ولادیمیر ایلیچ لنین، بنیانگذار دولت ما، می‌گفت:

«کمونیسم یعنی حکومت شوروی باضافه برقی کردن تمام کشور».

این فرمول لنین بطور موفقیت‌آمیزی جامه عمل می‌پوشد. امروزه ازبکستان در هر شانزده روز ۹۱۲ میلیون کیلووات ساعت و بمبارت دیگر ۶۴ هزار کیلووات ساعت نیروی برق در هر دقیقه تولید میکند.

صنایع شیمی و صنایع ذوب فلزات سیاه و رنگی با سرعت‌نشانی بسط و توسعه می‌یابد. جمهوری ما مقادیر زیادی مس و سرب و روی و ولفرام و فلزات نادر و الیازهای مقاوم تولید میکند.

در جمهوری موسسات بزرگ صنایع نساجی و ابریشم‌کاری و صنایع غذایی و فرآورده‌های گوشت تاسیس شده است. جمهوری تمام مجموعه وسایل فنی

دخوشوقتم که در مراسم روز ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران شرکت می‌نمایم. همانطور که مستحضرید، این اولین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی می‌باشد، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برپا میشود و هم‌زمان با تحریم اقتصادی غرب علیه ایران است، که البته این تحریم خود عامل مثبتی در جهت تسریع حرکت ما بسوی هدف توسعه اقتصادی و کاهش هرچه بیشتر وابستگی اقتصادی و حصول به خودکفائی نسبی می‌باشد.

ایران و شوروی از قدیم‌الایام با یکدیگر دارای روابط بازرگانی گسترده‌ای بوده و تجار دو کشور نه تنها به مبادله کالاهای ساخت یکدیگر مبادرت می‌ورزیدند، بلکه از راههای یکدیگر در امر مبادله با کشورهای ثالث نیز بهره‌میکرند و شوروی همواره راه طبیعی مطمئن و نزدیک برای تجار ایرانی، که بپس اروپا روابط تجاری داشتند، بوده است.

اصولاً بازارهای طبیعی و اولین بازار فروش و یا منبع تامین کالاها همسایگان هر کشور می‌باشند، بویژه اینکه دو کشور بزرگ و امراهای بسیار طولانی‌همنسایه یکدیگر باشند.

دو کشور بزرگ ما نه تنها دارای سوابق تاریخی و روابط سنتی و فرهنگی با یکدیگر می‌باشند، بلکه انقلاب شکوهمند اسلامی ایران فرصتها و امکانات جدید و بسیاری را برای بسط و توسعه همکاریهای اقتصادی و مبادلات بازرگانی بین دو کشور براساس منافع متقابل و دوستی، حسن همجواری، تساوی حقوق، احترام به حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر فراهم آورده است.

طی سالهای اخیر شوروی از طرفهای عمده تجاری ایران و بویژه بزرگترین خریدار کالاهای صادراتی سنتی و صنعتی غیرنفتی ایران بوده است. همچنین از منابع عمده تامین کننده بعضی از کالاهای وارداتی ایران نظیر ماشین‌آلات، آهن‌آلات، چوب و تخته و تراورس، کاغذ و مقوا، سیمان، مواد شیمیایی، کود شیمیایی و پنبه‌نسوز بوده است.

دو کشور تاکنون طرحهای بزرگ مشترک متعددی نظیر کارخانجات ذوب آهن، ماشین‌سازی، نیروگاه برق، سیلو، سدسازی داشته‌اند.

گو اینکه بعد از انقلاب اسلامی ایران مشکلات اجتناب‌ناپذیر ناشی از هر انقلاب بزرگی، وقفه‌ای در همکاریهای اقتصادی و اجرای طرحهای مشترک صنعتی پیش آورده، لیکن طی ماههای گذشته مذاکرات متعدد و توافقات سودمندی در جهت تکمیل طرحهای ناتمام و توسعه همکاریهای اقتصادی فی‌مابین صورت گرفته است. در مروح گذشته نه‌بمجرد اجلاس کمیسیون دائمی مشترک وزیران دو کشور برای همکاریهای اقتصادی و فنی در مسکو تشکیل و با امضای پروتکل مربوطه، تصمیمات مقضی در مورد طرحهای همکاریهای اقتصادی بین دو کشور در زمینه‌های گوناگون و توسعه آپس-همکاریها اتخاذ نمودند.

با امضای قراردادی در زمینه امور ترانزیت بین دو کشور، که در سیتامبر جاری در مسکو پاراف گردید، گام مثبت دیگری در زمینه همکاریهای فی‌مابین برداشته شد، بخصوص با توجه به مشکلاتی که پیش از انعقاد قرارداد مذکور در امر ترانزیت فی‌مابین وجود آمده بود، امید می‌رود با انعقاد این قرارداد، منبعد مسئله‌ای در امر ترانزیت بین دو کشور پیش نیامده و این قرارداد عامل تحکیم مناسبات تجاری فی‌مابین باشد.

هم‌اکنون نیز جناب آقای گرشین، معاون وزیر بازرگانی خارجی شوروی، در رأس هیئت عالی‌رتبته‌ای که جناب آقای آشور علی‌یف، معاون رئیس شورای وزیران جمهوری ازبکستان نیز هیئت را همراهی می‌نمایند، در تهران بسر می‌برند، که طی روزهای گذشته تبادل نظر-های مفید و تمریخی در زمینه مسائل مختلف بازرگانی بین دو کشور و طرق افزایش آن با ایشان داشته‌ایم. با توجه به اولویت اول برنامه اقتصادی ما، که حصول به استقلال اقتصادی می‌باشد، بدیهی است که مبادلات تجاری نیز بایستی با هدف انتقال تکنولوژی به ایران انجام پذیرد.

ملی‌شدن تجارت خارجی ایران، که بموجب اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی انجام میگردد، کنترل امر مهم تجارت خارجی را بدست دولت میدهد، تا تجارت خارجی را در جهت تحقق هدف استقلال اقتصادی کشور سوق دهد.

امیدوارم شرکت وسیع شوروی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی ایران گام مثبت دیگری در جهت افزایش مبادلات بازرگانی بین دو کشور و انگیزه خوبی برای توسعه همکاریهای اقتصادی براساس منافع متقابل باشد.

پرونده‌اش میخت در کمین‌اند، تا از هر نارسانی در امور و نارسانی بسود خود و برای ایجاد تشنج علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بهره‌گیری، بر همه مردم و همه نیروهای راستین انقلاب است که رهنمودهای رهبر انقلاب را نصب‌العین خویش سازند، نهایت هوشیاری را با حداکثر متانت انقلابی توأم کنند، مصالح اصولی و عمومی نظام انقلابی را بر هر چیز دیگر مقدم شمارند و با همکاری نزدیک با نهادهای انقلابی و ارگانه‌های دولتی جمهوری اسلامی، از هرگونه درگیری، تشنج آفرینی و غائله‌سازی جلوگیری

نیز خواه ناخواه سبب نارضا و تشنج میشود. بطوریکه دادستان کل جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله موسوی اردبیلی متذکر شدند، یک‌داده‌گاه انقلابی بدون اطلاع دستگاه قضائی کاری نمیکند که در شان قوهٔ قضائیه جمهوری اسلامی ایران نیست. یا یک کارمند آموزش و پرورش از دانش‌آموز «تصدی» نخواهد کرد، به نوشتهٔ استاد علی تهرانی، فوسله‌ایست برای جلوگیری از حضور نوجوانان ما در صحنهٔ سیاست و «بامصالح عالیه اسلام و انقلاب اسلامی متضاد است». در شرایط کنونی، که عوامل ضدانقلابی، عملی است به زبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به‌سود دشمن سوگندخورده ما امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا.

با کمال تاسف دیده میشود که بازهم هستند کسانی که بدنام‌مندی انقلاب می‌فانند و اغلب از این راه است که در گوشه و کنار کشور، از جمله در مازندران (قائم‌شهر) و یادراذریجان (ارومیه)، در گیلان و یازدرستان (سهاباد) و غیره درگیری، غائله و تشنج ایجاد میشود. گاه‌گاه دیده می‌شود که بعضی اعمال تشنج‌بخش مقامات قوای قضائیه، اجراییه و

موقع متوجه سازد. تشنج آفرینی از سوی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش به شکل‌های مختلف صورت می‌گیرد: یک‌روز با ایجاد درگیری، حمله به گروهها، دفاتر آنها، کتاب-فروشها در گوشه و کنار کشور، روز دیگری با دروغ‌سازی و شنایه پراکنی بمنظور ایجاد صوفوف دراز در جلوی مغازه‌ها و دکان‌ها، تحریک و تحریک مردم به خرید بیش از اندازه خواربار و اجناس مورد نیاز عموم تشنج آفریده می‌شود. از اینرو نیز رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی در پیام تاریخی خود متذکر شدند:

تشنج آفرینی...

بقیه از صفحه ۱

از سوی ما و دیگر نیروهای راستین انقلاب اغلب پندرسی پیش‌بینی شده، طبق اسناد و اطلاعات موثق بموقع افشا گردیده است. رژیم مزدور بعثی عراق فقط یکی از آلت‌های خارجی اجرای بخشی از این توطئه گسترده است. چنگی که آمریکا از طریق تجاوز مستقیم نظامی رژیم بعثی عراق علیه ایران آغاز کرده است، در چنین حال باید همگان را بیشتر به زیادهای فوق‌العاده و خطرات تشنج آفرینی و غائله‌سازی در این

حزب کمونیست عراق: اکنون هماهنگی کامل میان سیاست امپریالیسم امریکا و رژیم عراق بر ضد ایران پدیدار شده است

آخرین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، که اواخر تیرماه برگزار شد، در اعلامیه‌ای نظر حزب برادر را دربارهٔ مهم‌ترین مسائل داخلی، منطقه‌ای و جهانی ابراز داشت. ما در زیر چکیده‌ای از این اعلامیه را از نظر خوانندگان میگردانیم:

تعمیق بحران داخلی رژیم بعث عراق

رویدادهای ماههای گذشته سخت پیش‌بینی‌های پلنوم ژوئیه (تابستان) سال پیش را به نیوت رسانیده است. در این مدت بحران داخلی رژیم ژرف‌تر شد. یکی از مظاهر این بحران «پاکسازی»های خونین بود. بدنبال اعلام بی‌اسلامانه عقیم گذاشتن یک توطئه کودتایی علیه صدام و داروستانش، ۲۱ تن از شخصیت‌های برجسته رهبری حزب بعث، از جمله ۵ عضو رهبری منطقه‌ای، اعدام، دهها کادر سیاسی و نظامی دستگیر و به حبس‌های سنگین محکوم و هزاران عضو هوادار حزب بعث «پاکسازی» شدند.

شوونیسم و خودکامگی داروستانه حاکم در برابر مسئله ملی، بحران کردستان را عمیق‌تر کرد. سیاست ارتجاعی مخالفت با حقوق ملی خلق کرد، بازستانی حقوق اعلام شده و یکجبری سیاست «کردزدايي» و «ادغام» مردم کرد در سکنه عرب هرچه بیشتر شدت می‌یابد. ازسوی دیگر، نیروهای کرد مبارزه خویش را علیه داروستانه دیکتاتوری گسترش بخشیده‌اند. امروزه بخش بزرگ ارتش عراق در کردستان تمرکز یافته و آنجا را به سرزمینی اشغالی تبدیل ساخته است.

سیاست تبعیض‌نازادی و مذهبی خشم توده‌های مردم را برانگیخته است. اعدام‌های گروهی، «پاکسازی» دهها هزار نفر و چاول و مصادره دارائی آنها، نفرت مردم را از داروستانه صدام حسین روزافزون میسازد.

انزوای روزافزون رژیم صدام حسین

پایبای عربان شدن دیکتاتوری فردی و رسواگشتن شعارهای توخالی «دمکراسی»، «ترقی» و غیره صدام حسین، بی‌زاری مردم از حزب حاکم افزایش می‌یابد. رسوایی صدام و داروستانه‌اش تنها در محدوده جغرافیایی عراق باقی نمی‌ماند. با وقوف هرچه بیشتر خلق‌های منطقه و جهان و دولت‌های مترقی به سیاست فریب، دوغ و تزویر صدام و همقطارانش، رژیم عراق به انزوا کشیده میشود.

رژیم عراق، برای خروج از این بن‌بست، کم‌دی انتخابات «مجلس ملی» و «مجلس منطقه خودمختار» را بیا کرد و خواست به جهانیان بنمایاند که گویا در عراق اراده مردم و دمکراسی حاکم است. درحالیکه در این انتخابات، احدی بدون موافقت کامل گردانندگان رژیم بعث حق نامزدی را نداشت.

تشدید وابستگی به امپریالیسم

سیاست اقتصادی رژیم هرچه بیشتر به وابستگی عراق به کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری می‌انجامد، در چارچوب‌های گوناگون سیاست انحصارات امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی عضو «اروپا» و علیه مصالح و منافع ملی مبارزه خلق‌های منطقه هناهنگ میشود و به اشتراک مناسبات اقتصادی برابر در پهنه بین‌المللی لطمه وارد می‌آورد. مناسبات اقتصادی عراق با کشورهای پیشرفته

سرمایه‌داری تنها به وارد کردن کالاهای غیرضروری و استخدام کارشناسان، محدود نمیشود، بلکه همچنین توسعه قراردادهای تسلیحاتی با شرکت‌های انحصاری چندملیتی را دربر میگیرد. این سیاست درآمدهای عراق را بجهت انحصارگران غرب سرازیر میکند و استقلال و حاکمیت ملی ما را بخطر میاندازد.

بسیاری از سیاست‌های «دو راهی باز» سبب شده است که هرچه بیشتر، ارز کشور در راه خرید کالاهای بنجل کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی بهدر رود و به تولید و رشد صنعت ملی ضربه‌های مهلک وارد آید. پایبندی تحکیم مناسبات اقتصادی با کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی، حجم مبادلات بازرگانی عراق با کشورهای سوسیالیستی و رشد یابنده رویکاهش می‌رود.

سیاست نفی رژیم آشکارا در جهت عکس مصالح ملی عراق و بسود انحصارات نفتی سیر میکند. مذاکرات اخیر کشورهای عضو «اروپا» نمایانگر تئانی و هماهنگی رژیم عراق با عربستان سعودی علیه آن دسته از کشورهای تولیدکننده نفت است، که خواستار افزایش بهای نفت هستند. اصرار عراق و عربستان سعودی در افزایش تولید و صادرات نفت، ضربه‌ایست به آن گروه از کشورهای که از بهدردادن ثروت ملی خود خودداری می‌ورزند. افزایش صادرات نفت عراق سبب شده است که انحصارگران جهانی از کاهش میزان استخراج و صدور نفت ایران دچار مضیقه نگردند و کمبودی راه که از این بابت پدید آمده است، از راه افزایش خرید نفت عراق جبران کنند. چنین می‌نماید که زمامداران عراق در نظر دارند میزان استخراج نفت را به ۵۰ میلیون بشکه در روز برسانند - اقدامی که نه از نظر اقتصادی قابل توجیه است و نه پاسخگوی مصالح ملی و مینمی‌مست. اصرار رژیم عراق برای فروش نفت به بهایی کمتر از دیگر کشورهای عضو «اروپا» (بجز عربستان سعودی) سبب شده است که تنها در سال ۱۹۷۹ هشت میلیارد دلار ثروت خلق عراق به جیب انحصارات امپریالیستی و دلان آنها، از جمله اطرافیان صدام و جارجیان خارجی رژیم او، سرازیر گردد.

همکاری با رژیم‌های ارتجاعی منطقه و مقابله با کشورهای جنبش‌های مترقی

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق در سال گذشته رژیم عراق را بعنوان رژیم نفاق‌افکن، خرابکار و توطئه‌گر توصیف کرده بود. رویدادهای ماههای اخیر بخوبی صحت این ارزیابی را بشیوت رسانیده است.

همکاری‌های رژیم عراق و حکومت ارتجاعی عربستان سعودی را دیگر نمیتوان پرده پوشید. رژیم عراق همواره در راه ایجاد محور عراق - عربستان سعودی - اردن علیه سوریه، جبهه پایداری و انقلاب فلسطین تلاش می‌ورزد. اعلام نظریه «پشتیبانی از هر عرب علیه هر بیگانه» در کنگره سران کشورهای عرب در تونس بیانگر مشی انحرافی رژیم عراق است. اعطای دهها میلیون دلار به

سومالی، رژیم که خاک کشورش را برای ایجاد پایگاه‌های نظامی در اختیار امپریالیست‌های آمریکایی گذاشته است، پاداش موضع‌گیری سومالی علیه شوروی واتیوی است.

«منشور صدام حسین» - بر نامه دوستی با ارتجاع و دشمنی با نیروهای مترقی

«منشور صدام حسین»، که در آن از همه کشورهای ارتجاعی و راستگرای عرب برای ایجاد پیمان «همبستگی اعراب و استقلال» دعوت بعمل آمده است، هدفش مبارزه با رژیم‌های مترقی عرب، گسستن همبندی‌دوستانه دولت‌های ضد امپریالیست عرب و اخلاص در همبستگی میان رژیم‌های مترقی عرب با اتحاد شوروی در یکبار مشترک علیه امپریالیسم است - همان همبستگی که ضامن استقلال ملی و پیروزی این کشورها در مقابله با دسیسه‌های خصمانه امپریالیست‌ها و سبویست‌هاست.

سیاست ضد فلسطینی

رژیم عراق همین سیاست را در قبال انقلاب فلسطین و سازمانهای رزمنده فلسطینی دنبال میکند. این رژیم تفرقه‌افکنی و تضعیف فعالیت‌های سازمانهای فلسطینی را بخشی از برنامه خود ساخته است. بستن دفاتر «جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین» و «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» و اخراج ۳۲ خانوار فلسطینی نمونه‌هایی از اقدامات ضد فلسطینی داروستانه صدام حسین است، که درست همزمان با پشتیبانی ملک‌حسین از انعقاد قرارداد جداگانه «صلح» در مورد کرانه غربی رود اردن و بدون شرکت سازمان آزادی‌بخش فلسطین صورت میگیرد.

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخبرات نفتی (شرکت ملی نفت ایران) پشتیبانی مجدد خود را از امام خمینی اعلام میدارد

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخبرات نفتی (شرکت ملی نفت ایران) بمناسبت تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران اطلاعیه‌ای انتشار داده است. در این اطلاعیه آمده است: «بنام خدا اکنون که انقلاب شکوهمند ملت غیور ایران می‌رود تاجانگیر شود و ریشه‌های پوسیده حکومت‌های دست‌نشانده را در منطقه از بن برکنند، دولت‌خائن بعثی عراق با همکاری سرسپردگانی چون سادات خائن و اسرائیل غاصب، با دست‌زدن به اعمال تنگین و خیانتکارانه‌ای، که عملاً از ارباب

کارگر توده‌ای به اتهام تبلیغ نظریات حزب توده ایران به اخراج ۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم گردید!

ما نسبت باین اقدام ضد انسانی، غیر قانونی و ضد انقلابی بشدت اعتراض می‌کنیم.

از کارگران، از جمله رفیق غلامرضا جواهری بود، که وی را به فاصله چند روز محاکمه و به اتهام تبلیغ علیه جمهوری اسلامی و اشاعه مرام حزب توده در کارخانه، به ۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم نمودند!

این اقدام، آشکارا غیر قانونی است، زیرا بدون هیچ دلیلی، تنها بر اساس بانه‌های واهی، یک کارگر زحمتکش را، که نماینده کارگران نیز هست، از کار اخراج کرده و سپس صرفاً بجرم توده‌ای بودن وی را به زندان و شلاق محکوم کرده‌اند.

چندی قبل رفیق غلامرضا جواهری، کارگر کرخانه پوشش شهرستان رشت و عضو شورای این کارخانه، باتیام واهی اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی و بموجب حکمی به امضای استاندار گیلان و سرپرست هیات پاکسازی استان گیلان، از کار اخراج گردید.

این اقدام آشکارا غیر قانونی و نادرست، اعتراض بحق کارگران کرخانه را برانگیخت. ولی متأسفانه واکنش مسئولین در قبال اعتراض بجای کارگران، دستگیری گروهی

بزرگترین دشمن اعراب، را یادآور شد. رژیم عراق، با موضع‌گیری‌های خود و پیروی از سیاست‌های ارتجاعی و خرابکارانه، هرچه بیشتر از صنف و جنبش آزادی‌بخش ملی عرب دور و به امپریالیسم و ارتجاع عرب نزدیک میگردد.

همکاری با عربستان سعودی و دیگر کشورهای ارتجاعی عرب

همکاری با عربستان علیه خلق‌های شبه جزیره عرب، سوریه و جنبش مقاومت فلسطین، همدستی با پادشاه اردن علیه نیروهای ملی اردن و خلق فلسطین، پشتیبانی از داروستانه عبدالقوی مکاری، عنصر مرتجع و ضد خلقی، یمن، تأیید آشکار از پادشاه مراکش علیه الجزایر، خلق صحرا و «پولیساریو»، موضع‌گیری علیه «جبهه ملی مصر» بخاطر ارضای خاطر سادات، مذاکره با قابوس علیه خلق‌های عمان و یمن دمکراتیک، حمایت از امیر بحرین علیه خلق بحرین، هواخواهی از سیاد باره علیه انقلاب اتیوپی، نادیده گیری تسهیلات نظامی، که رژیم‌های سومالی، عمان و بحرین به دولت‌های امپریالیستی واگذار کرده‌اند، پرداخت دهها میلیون دلار برای خرید مزدوران داخلی و خارجی - اینست نمونه‌هایی چند از سیاست‌زمامداران کثونی عراق.

رژیم عراق از دوستی با کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی منحرف میشود، از راه همکاری با عربستان سعودی، اردن، اکش و پاکستان، متحدان آمریکا، از در دوستی با واشنگتن درمی‌آید و با افغانستان، ایران، یمن دمکراتیک و سوریه - دشمنان آمریکا به مقابله برمی‌خیزد.

موضع خصمانه رژیم بعثی در برابر انقلاب ایران

در این زمینه، موضع فرمانروایان عراق درباره انقلاب ایران بس‌گویاست. آنها تا آخرین دقیق از رژیم شاه پشتیبانی کردند. اکنون هماهنگی کامل میان سیاست امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق پدیدار شده است. هر چند میان این دو دولت رابطه مستقیم دیپلماتیک وجود ندارد، این رابطه و همکاری، بطور غیر مستقیم، از طریق نیروهای ضد انقلابی و ارتجاعی ایران و فراریان رژیم شاه مخلوع برقرار گردیده است. رژیم عراق، برای خوش خدمتی به امپریالیسم آمریکا، در ایران به خرابکاری و آشوب می‌پردازد، دشمنان انقلاب ایران را مجبور و مسلح میکند و به تجاوز به مرزهای آن کشور دست می‌زند.

حزب ما، حزب کمونیست عراق، همه نیروهای ملی مخالف رژیم دیکتاتوری را فرا می‌خواند، تا با اتحاد و تحکیم هرچه بیشتر صفوف خود در جبهه‌ای ملی و دمکراتیک، در راه واژگونی رژیم دیکتاتوری بکوشند، خلق عراق را از شر جنایات این رژیم رهایی بخشند، رژیم دمکراتیک را، که در آن خلق کرد به خودمختاری راستین دست یابد، پایه نهند و راه ترقی و شکوفایی راه مردم عراق بکشایند.

مبارزه‌مان را وحدت‌بخشیم و صف‌هایمان را فشرده‌تر سازیم! مرگ بر رژیم دیکتاتوری! پیروزی از آن خلق رزمنده ماست!

نامۀ هروم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست
NAMEH
MARDOM
No. 343
28 September 1980

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود